

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۸۶

جمعه ۲۷ مهر ۱۳۹۷، ۱۹ اکتبر ۲۰۱۸

پیام حمید تقوایی

به معلمان و بازنشستگان مبارز

به معلمان و بازنشستگان آزاده و مبارز درود می فرستم.

مبارزات و اعتراضات شما برای همه بخشهای جامعه الهام بخش و امیدبخش است. خواستهائی که شما مطرح میکنید خواست همه مردم است. اکثریت قریب به اتفاق مردم خود را در خواست افزایش حقوقها و دستمزدها، تحصیل رایگان، درمان و بهداشت رایگان، ایمنی مدارس، مخالفت با خصوصی سازی مدارس، مقابله با دزدیها و فساد مقامات و دیگر خواستها و اهداف اعتراضات شما شریک میدانند. شما در واقع بعنوان نمایندگان جامعه این پرچم را بلند کرده اید. بعنوان نماینده میلیونها انسانی که دیگر فقر و بی حقوقی و سرکوب و انواع مشقاتی که حکومت بجامعه تحمیل کرده است را تحمل نمیکند و علیه این مصائب میدان می آیند.

فراخوان معلمان برای دو روز اعتصاب و فراخوان تجمع سراسری بازنشستگان باید مورد استقبال همه مردم قرار بگیرد. خانواده های دانش آموزان، دانشجویان، جوانان و سالمندان و همه اقشار مردم جا دارد که با صدای بلند از اعتصاب و مبارزات معلمان و بازنشستگان حمایت کنند، دست به تجمعات و اعتصابات حمایتی بزنند و بخواهند که حکومت هر چه زودتر به خواستههای برحق معلمان و بازنشستگان پاسخ بدهد.

دوره ای از اعتراضات وسیع و سراسری آغاز شده است. اعتصاب رانندگان و کامیونداران سه هفته است ادامه دارد، ماه قبل مردم کردستان دست به اعتصاب عمومی زدند و چند روز قبل بازاریان اعتصاب کردند. زنجیره اعتصابات گسترش پیدا میکند و شما معلمان و بازنشستگان جزو پیشکسوتان و پیشروان این حرکت هستید. در دل این شرایط حمایت فعال بخشهای مختلف جامعه از اعتصابات و تجمعات اعتراضی و امروز اعلام پشتیبانی و همبستگی با معلمان و بازنشستگان نقش مهم و کارسازی در پیشروی و پیروزی و تحقق خواستههای برحق و انسانی همه مردم خواهد داشت.

یکبار دیگر به معلمان و بازنشستگان آزاده درود میفرستم و اعلام میکنم حزب ما با تمام قوا از مبارزات شما حمایت میکند. آرزومندم هر چه زودتر به خواستههای برحق و انسانی تان برسید.

حمید تقوایی

۲۱ مهرماه ۱۳۹۷

شوراها در امروز و فردای سرنگونی جمهوری اسلامی

حمید تقوایی

صفحه ۲

بازتاب هفته

صفحه ۵

قتل خاشقچی: افشاگر یک دیکتاتور یا یک سیستم؟

کاظم نیکخواه

تعفن دوسوی نزاع بر سر مهریه

حسن صالحی

اشاره انگشتی کفایت می کند

کیوان جاوید

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۷

جامعه به کدام سو میرود

شهلا دانشفر

صفحه ۹

تاریخ را باید منصفانه و دقیق نوشت!

مینا احدی

صفحه ۱۰

جایگاه دو اعتصاب مهم

در فضای سیاسی ایران

اصغر کریمی

صفحه ۱۱

جواب مردم کردستان علیه کشتن کولبران تداوم

مبارزه و اعتصابات است!

نسان نودینیان

صفحه ۱۲

چند اطلاعیه از حزب کمونیست کارگری در مورد اعتصاب

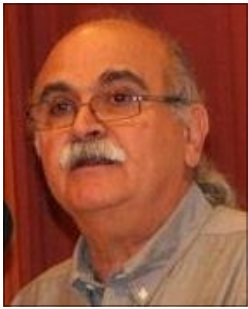
کامیونداران، اعتصاب معلمان و مطالب دیگر

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

شوراها در امروز و فردای سرنگونی جمهوری اسلامی

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است

حمید تقوایی



مجبور نباشد برای تامین معاش خود و خانواده اش نیروی کارش را بفروشد و دوم وسائل و ابزار تولید، کارخانه ها، زمین، معادن، جنگلها و غیره در مالکیت خصوصی کسی و یا نهادی نباشد. این دو شاخص مهم و تعیین کننده نشان میدهد که آیا جامعه ای به طرف سوسیالیسم، به سوی یک جامعه آزاد انسانی با اصل "از هر کس باندازه نیازش و به هر کس باندازه نیازش"، حرکت میکند و یا خیر. این امر قبل از هر چیز مستلزم خلع ید سیاسی از طبقه سرمایه دار و بدست گرفتن قدرت سیاسی بوسیله طبقه کارگر است. این امر را نمیتوان کارخانه به کارخانه به پیش برد.

یک نکته دیگر هم لازم است اینجا توضیح بدهم. شوراها ارگانهای حاکمیت طبقه کارگر هستند. در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی و خلع ید سیاسی از طبقه سرمایه دار شوراها، نه فقط شوراهای کارگری بلکه شوراهای عموم مردم، باید امور را در دست بگیرند. اما حتی در حکومت شورائی هم امحای اقتصاد سرمایه داری و تحقق سوسیالیسم به این معنی نیست که نحوه و سازمان تولید در هر کارخانه ای بوسیله شورای همان کارخانه تعیین و اداره میشود. شوراها در یک مقیاس کلان در سطح کل جامعه بحث و مشورت میکنند و نظر میدهند و تصمیم میگیرند و سیاست واحدی را در سطح جامعه پیاده میکنند. هر بخش جامعه تحت اختیار و کنترل همان بخش نیست. همه شوراها بر همه جامعه حکومت میکنند.

بخاطر دارم که در انقلاب ۵۷ این ایده کنترل حوزه ای و محلی شوراها را در گروه اتحاد مبارزان کمونیست مورد نقد قرار داریم. میدانید آن زمان چپ در جامعه و

پدیده هائی نظیر تجربه کارگران هفت تپه یعنی وقتی این ایده مطرح میشود که کارگران باید خودشان امور را در دست بگیرند جایگاه و اهمیت سیاسی این حرکت را نمی بیند و تحت الشعاع این امر قرار میدهد که گویا کارگران میخواهند و یا میتوانند در شرایطی که هنوز سرمایه داری حاکم است تولید را به نفع خودشان سازمان بدهند. گویا ممکن است که در جامعه قدرت سیاسی در دست طبقه سرمایه دار باشد، مناسبات و مکانیسم بازار برقرار باشد، رقابت ها برقرار باشد، و با این حال کارگر کارخانه را در دست بگیرد و آنرا بر طبق منافع و خواستههای کارگران اداره کند. چنین چیزی ممکن نیست، چنین نظر و گرایشی در ادبیات کلاسیک مارکسیستی آنارکوسوسیالیسم نامیده میشود. این نوعی سوسیالیسم تخیلی است که گویا کارگران هر کارخانه یا مرکز تولیدی اگر به شکلی مثلا از طریق تعاونی به سهامی یا تقسیم سود بین کارگران و غیره اداره تولید را در دست بگیرند از قید سرمایه رها خواهند شد. این اتفاق نخواهد افتاد. تا زمانی که مناسبات سرمایه داری در سطح کل جامعه و در یک مقیاس سراسری و کلان نفی نشود - و این قبل از هر چیز مستلزم خلع ید سیاسی از طبقه سرمایه دار است - کنترل کارگران بر تولید در هر کارخانه نخواهد توانست حتی مطالبات صنفی کارگران را متحقق کند. کنترل کارگر یک اقدام اقتصادی که گویا میتواند پایدار باشد و به همه کارخانه ها تسری پیدا کند، تحولی که میتواند گسترش پیدا کند و نهایتا سوسیالیسم را به ارمغان بیاورد، نیست بلکه یک اقدام سیاسی و یک نوع چالش سلطه و اتوریته دولت است.

سوسیالیسم دو خصوصیت و شاخص اساسی دارد: اول نیروی کار دیگر کالا نباشد. یعنی کسی

اعمال اراده کارگری برای در دست گرفتن امور سر بلند میکنند. یک نکته دیگر هم باید در اینجا تاکید کنم. نمایندگان کارگران به درست از شوراهای مستقل کارگری و مردمی صحبت میکنند. یعنی شوراها را خاص و محدود به کارگر و جنبش کارگری نمیدانند. پرچم شوراها را چهره های جنبش کارگری بلند کرده اند ولی نه تنها توده های کارگر بلکه همه مردم را باید به تشکیل شورا فراخواند. این هم مبتنی بر تجربه انقلاب ۵۷ است. در آن انقلاب شوراها فقط در کارخانه ها شکل نگرفت. در بخشهای مختلف جامعه، در دانشگاهها، در ادارت، در برخی محلات و در موسسات مختلف شوراها ایجاد شدند. و امروز هم دوباره همین ایده دارد مطرح میشود.

محمد کاظمی: لازم است اینجا در ادامه صحبت شما به این نکته اشاره کنم که این حرکت از دیماه شروع شد که اسماعیل بخشی به دولت اخطار کرد که اگر ظرف چند روز حقوقهای معوقه ما پرداخت نشود خودمان کارخانه را بدست میگیریم.

حمید تقوایی: بله حرکت از آنجا شروع شد.

محمد کاظمی: شما در مقاله ای در انترناسیونال شماره ۷۸۳ گفتمان شوراهای کارگری و مردمی در شرایط کنونی را یک نمونه کلاسیک روی آوری به عمل مستقیم کارگری و بجالش کشیدن سیاسی حکومت در شرایط انقلابی دانسته اید و تاکید کرده اید که هر نوع اشتباه گرفتن نقش شورا با کنترل تولید در کارخانه نه تنها این نقش سیاسی را تضعیف میکند بلکه به یک نوع آنارکو سوسیالیسم و یک نوع سوسیالیسم غیر سیاسی و کارخانه ای دامن میزند. در این مورد لطفا بیشتر توضیح بدهید.

حمید تقوایی: در جنبش چپ گرایشی هست که در برخورد به

شوراها، شرایط مشخص امروز هست. جنبشی که از دیماه آغاز شد و در سطوح مختلف ادامه دارد فضا و شرایطی در جامعه ایجاد کرده است که خواه ناخواه روی آوری به شوراها را گسترش میدهد و تشکیل شوراها را به محور توجه کارگران و فعالین و چهره های جنبش کارگری تبدیل میکند.

در شرایط امروز کارگران به شوراها روی می آورند بخاطر اینکه حکومت دیگر قادر به اداره اقتصاد و قادر به اداره خیلی از مراکز تولیدی و صنعتی نیست. در نیشکر هفت تپه نماینده کارگران، اسماعیل بخشی، بحث شورا را مشخصا به این دلیل مطرح کرد که کارفرما و مدیریت عملا نمیتوانست این مرکز تولیدی را اداره کند. اسماعیل بخشی اعلام کرد ما کارگران نگران آینده این شرکت هستیم، هفت تپه متعلق به کارگران است و ما خودمان امور را در دست میگیریم و اداره میکنیم. کارگران میخواهند امور را خودشان در دست بگیرند و این نکته بسیار مهمی است. معمولا در شرایط انقلابی این وضعیت پیش می آید. در شرایطی که حکومت با بحران و بن بست سیاسی - اقتصادی مواجه است و دیگر قادر به اداره اقتصاد و ادامه فعالیت در بسیاری از مراکز تولید نیست، کارگران اجازه نمیدهند این ناتوانی بر سر آنها خراب بشود.

این وضعیت امروز در بخشهای مختلف تولیدی و خدماتی قابل مشاهده است. در خیلی از شاخه ها و مراکز صنعتی تولید خوابیده است و هیچ چشم اندازی هم برای برون رفت از این وضعیت وجود ندارد. فولاد اهواز و نیشکر هفته تپه یک گرایش عمومی در جنبش کارگری را نمایندگی میکنند و در صف مقدم این حرکت هستند. به این معنا میتوان گفت شوراها بنا بر شرایط عینی انقلابی که در جامعه بوجود آمده بعنوان ارگانهای

محمد کاظمی: مطالبه شوراهای کارگری و مردمی که اخیرا بوسیله فعالین جنبش کارگری در دو مرکز صنعتی نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز مطرح شده است دارای چه زمینه هائی است و مهر چه شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را بر خود دارد؟

حمید تقوایی: از دو جنبه میشود این موضوع را بررسی کرد. یک جنبه سابقه جنبش شورائی در ایران است. مشخصا از انقلاب ۵۷ شوراها، و همانطور که نمایندگان کارگران در مراکزی که نام برده اعلام کرده اند تشکیل شوراهای مستقل و واقعی، یک خواست و گرایش مطرح در جنبش کارگری بوده است. به همین خاطر و در عکس العمل به این گرایش جمهوری اسلامی شوراهای اسلامی و دست ساز خودش را برپا کرده است که البته هیچ زمان مورد پذیرش کارگران قرار نگرفت.

انقلاب ۵۷ سرآغاز جنبش شورائی در ایران بود و از آن زمان خاطر و تجربه تشکیل شوراهای مستقل و واقعی همیشه در جنبش کارگری و در میان فعالین این جنبش زنده بوده است. کارگران در مقاطع مختلف و در دل اعتراضات و مبارزات خود بارها با تشکیل مجامع عمومی که پایه شوراهای واقعی کارگری است به مقابله با کارفرما و دولت و ارگانهای دست ساز دولتی برخاسته اند. حزب ما نیز همواره یک نیروی فعال جنبش شورائی بوده است و در هر نبرد و برآمد جنبش کارگری بر اهمیت شوراها و تشکیل مجمع عمومی منظم کارگران بعنوان پایه و بدنه شوراها تاکید کرده است. بر مبنای این زمینه تاریخی است که امروز فعالین جنبش کارگری اعلام میکنند باید شوراهای واقعی و مستقل از دولت و ارگانهای دولتی تشکیل بشود. یک پایه دیگر مطرح شدن

بخصوص در دانشگاهها قوی بود و تا مدتها بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، تا مقطع با اصطلاح "انقلاب فرهنگی"، شوراها در دانشگاهها فعال بودند. آن زمان این بحث از جانب برخی نیروهای چپ مطرح شد که دانشگاه را باید شورای دانشجویان و استادان هر دانشگاه اداره کنند. بحث ما این بود که این ایده درست نیست. سیاست حاکم بر دانشگاهها باید بوسیله شوراها در سطح کل جامعه، از طریق بحث و تبادل نظر و تصمیمگیری در همه شوراها (بعنوان مثال در کنگره سراسری شوراها) تعیین بشود. در غیر اینصورت بر یک دانشگاه سیاست الف حاکم خواهد شد و بر دانشگاه دیگری سیاست ب. در مورد کارخانهها هم این صادق است. حاکمیت محلی شورای کارگران در هر کارخانه مثلا در ماشینسازیهایی یک سیاست را پیاده خواهد کرد و در پتروشیمیها سیاست دیگری را و به همین ترتیب در سایر کارخانهها. این آتارشی است. و بهمین دلیل آنارکوسوسیالیسم یا آنارکوسنیدیکالیسم نامیده میشود. سوسیالیسم یک سیاست و یک برنامه و اقتصاد سیاسی معینی است که بوسیله حزب طبقاتی کارگران نمایندگی میشود. سوسیالیسم خودبخود از شورا تراش نمیکند و نمیتوان کارخانه به کارخانه به سیاستهای سوسیالیستی رسید و آنرا متحقق کرد. همانطور که سرمایه داری کارخانه به کارخانه نیست. سرمایه داری هم تابع شرایط، مناسبات، و جهت گیری و سیاستهای عمومی هست که بر کل جامعه حاکم است. وقتی در کل جامعه مالکیت خصوصی بر ابزار تولید را برسمیت بشناسید هر کارخانه ای هر طور کار کند در چهارچوب سرمایه داری خواهد بود. وقتی نیروی کار یک کالا باشد دیگر مهم نیست هر کارخانه ای چطور کار میکند، سیستم تولید سرمایه داری است. در مورد سوسیالیسم هم عینا همین صادق است. وقتی در سطح جامعه کار مزدی و مالکیت خصوصی بر کارخانهها نفی شود تولید در هر کارخانه ای سوسیالیستی خواهد بود.

این نکته را هم باید اینجا اضافه کنم که این تصمیم عمومی و اجتماعی مبنی بر نفی نام سرمایه داری قبل از هر چیز در قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی که بوسیله کلیه شوراها و یا در یک رفرااندوم عمومی به تصویب رسیده است، قانونیت و رسمیت پیدا میکند و شوراها در مراکز تولیدی و در کل جامعه ملزم به پیروی از این قانون هستند. اما نه تنها در این سطح پایه ای و اساسی، بلکه در سطح مشخص و در تعیین و اجرای سیاستهای عملی و برنامه های اقتصادی معین برای پیاده کردن سوسیالیسم نیز شوراها باید هماهنگ و هم جهت عمل کنند و تابع تصمیمات اتخاذ شده بوسیله همه شوراها باشند. این نکاتی است که در نقد آنارکوسوسیالیسم باید مطرح کرد و این گرایش را کنار زد. محمد کاظمی: جا دارد اینجا به یک تجربه تاریخی اشاره بکنیم. در آرژانتین حرکتی شکل گرفت تحت عنوان کارخانه بدون کارفرما. کارگران اداره تولید در بسیاری از کارخانهها را بدست گرفتند و برای مدتی هم توانستند برخی از خواستههای کارگران مثل افزایش دستمزدها و استخدام بیکاران را متحقق بکنند ولی همانطور که گفتید چون کل سیستم کاپیتالیستی بود متاسفانه این حرکت با شکست مواجه شد. حمید تقوائی: اجازه بدهید نکته ای را در این رابطه تاکید کنم. به نظر من بدست گرفتن کنترل کارخانهها امر مبارزاتی تعرضی و پیشرو است و میتواند به موفقیت برسد به شرط آنکه آنرا در چهارچوب به چالش کشیدن حکومت ببینید. امروز در ایران دارد این اتفاق می افتد. من امیدوارم تجربه هفت تپه و عملکرد به شعار تشکیل شوراها مستقل کارگری و مردمی که پیشروان کارگری مطرح میکنند سراسری بشود و کارگران در همه کارخانهها امور را در دست بگیرند. ولی کارگران و فعالین کارگری و بخصوص جنبش چپ باید بدانند که این مبارزه ای سیاسی و تعرضی برای به چالش کشیدن سیاسی حکومت است با هدف خلع ید

بورژوازی از قدرت. اگر در آرژانتین شوراها این هدف را دنبال میکردند و خودشان را بخشی از یک جنبش و یا یک حرکت سراسری برای بزرگ کشیدن حکومت سرمایه داری در آرژانتین میدیدند این حرکت میتوانست بسیار کارساز و موثر باشد. ولی اگر به کنترل کارگری کارخانهها بعنوان یک اقدام اقتصادی نگاه کنید و آنرا مثل یک مبارزه صنفی در نظر بگیرید که به سیاست و قدرت سیاسی کاری ندارد طبعا این حرکت بجائی نمیرسد. چون ناگزیر تابع قوانین بازار بشوید، باید سود آور باشید، باید رقابت کنید و غیره. مهم نیست که مالک کارخانه تعاونی یا شورای کارگران است و یا دولت و یا فلان سرمایه دار؛ بالاخره برای اینکه ورشکست نشوید باید رقابت کنید و سودآور باشید. به همین دلیل اگر چالش سیاسی را از تصویر کنار بگذاریم این تجربه شکست میخورد. محمد کاظمی: موضوع بحث ما شوراها قبل و بعد از سرنگونی است. تفاوت اینها در چیست؟ آیا شوراها که امروز ایده و گفتمان مطرح شده همان شوراها بعنوان تشکلهای توده ای کارگری است که همیشه و در شرایط عادی نیز حزب مبلغ آن بوده است؟ آیا طلیعه های شوراهاست که در آینده حکومت را دست میگیرند؟ لطفا در این مورد بیشتر توضیح بدهید. حمید تقوائی: شورا در دو سطح در نظرات و فعالیتهای حزب جایگاه مهمی دارد. در یک سطح استراتژیک و در برنامه حزب شوراها بعنوان ستون فقرات و پایه های حکومت کارگری، حکومتی که میتواند سوسیالیسم را پیاده کند، مطرح میشوند. دستیابی به یک جامعه مرفه، آزاد، برابر و انسانی ممکن نیست مگر اینکه نظام حکومتی اش شورائی باشد. به این معنی که توده مردم، کارگران و سایر شهروندان، در شوراها متشکل شده باشند و این شوراها بتوانند بعنوان ارگانهای تصمیم گیرنده و مجری تصمیمات عمل کنند. بتوانند هر زمان اراده کنند مسئولین را عزل و نصب کنند، سیاست تعیین کند و سیاستها را اجرا کنند و به این

معنی دخالت مستقیم مردم در حکومت و اداره جامعه تامین و تضمین بشود. دموکراسی پارلمانی به نظر ما تامین کننده آزادی نیست. اینکه مردم هر چهار سال یکبار از بین معهود احزاب حکومتی که معمولا در کشورهای غربی از دو حزب فراتر نمیرود نمایندگان پارلمان و یا مسئولین دولت را انتخاب کنند و بعد تا چهارسال دیگر دستشان بجائی بند نباشد، این به آزادی و دخالت مردم در سرنوشت خود ربطی ندارد. دموکراسی پارلمانی در هر حال از دیکتاتوریهائی نظیر جمهوری اسلامی که حتی همین نوع انتخابات پارلمانی در آنها پوچ و بی معنی است بهتر است اما از خواست و توقع توده مردم از آزادی و از دخالت در سیاست فرسنگها فاصله دارد. دموکراسی به معنی آزادی نیست بلکه شیوه ای است برای پیشبرد سیاستهای طبقه حاکمه و اقلیت مفتخور سرمایه دار به نیابت مردم و تحت نام نماینده مردم. دولتی انتخاب میشود و جنگ براه میاندازد، سیاست ریاضت کشی اقتصادی را پیاده میکند، از خدمات اجتماعی میزند و صدها تصمیم در مورد سرنوشت و زندگی شهروندان میگیرد و مردم هم کاره ای نیستند تا چهارسال بعد که باز از میان احزاب حکومتی یکی را انتخاب کنند و همین بازی از سر گرفته بشود. این آزادی نیست. آزادی وقتی متحقق میشود که مردم بتوانند مستقیما و همیشه هم عامل سیاستگذارها و هم عامل اجرای سیاستها باشند. بتوانند هر وقت اراده کنند مسئولین را عزل و نصب کنند و غیره. اینها خصوصیات شورا است و به این معنی شوراها پایه های حکومت مطلوب ما است. حکومت سوسیالیستی از نظر شکل و ساختار حکومتی است شورائی. یک جنبه دیگر تاکید بر شوراها است بعنوان ارگان مبارزه در همین جامعه موجود. بعنوان بهترین و کارآمدترین شکل تشکل توده ای کارگری به این اعتبار که متکی است بر مجمع عمومی منظم همه کارگران در یک واحد تولیدی و مستقیما توده کارگر را در تصمیم

گیریهای اعتراضی و مبارزاتی دخیل میکند. بورکراسی سندیکیالیستی در شوراها جانی ندارد و همه کارگران مستقیما و بلافاصله در تصمیم گیریها دخیل و فعال هستند. این دوجنبه از نقش و عملکرد شوراها، در سطح استراتژیک و در مبارزات هر روزه، به یکدیگر مربوط هستند. هر چه در جریان مبارزات کارگران برای مطالبات صنفی و سیاسی شان شوراها بیشتر شکل بگیرند و گسترش پیدا کنند به همان درجه این چشم انداز در مقابل جامعه قرار میگیرد و این امر بیشتر ممکن میشود که در فردای سرنگونی حکومت هم شوراها بجلو رانده بشوند و بعنوان ارگانهای حاکمیت عمل کنند. در هر صورت، چه در ظرفیت شوراها مبارزاتی در جامعه امروز و چه به عنوان ارگانهای حکومتی در فردای سرنگونی حکومت، شورا ارگان اعمال اراده مستقیم مردم است. این ویژگی مختص به شوراها است و ما همیشه بر آن تاکید داریم. خصوصیت ماهوی شورا این است که توده های کارگر و یا مردم یک محله و اداره و موسسه مستقیما در تصمیم گیریها شرکت میکنند و آنرا به اجرا میگذارند. و همین خصوصیت است که باعث میشود این تشکلهای را در هر دو ظرفیت شورا بنامیم. امروز، در شرایط پر تلاطم و انقلابی حاضر، شوراها و ایده و گفتمان شورا به نوعی محل تلاقی هر دو نقش و ظرفیت شوراها است. هنوز جمهوری اسلامی سرنگون نشده است، هنوز طبقه سرمایه دار در قدرت است، ولی در اثر بحران اقتصادی و سیاسی موجود هر روز ضعیف تر میشود و توان اداره تولید را از دست میدهد. در این شرایط روی آوردن به شوراها برای بدست گرفتن امور و تحقق خواستههای عاجلی که حکومت از پاسخگوئی به آن عاجز است گسترش پیدا میکند. وقتی کارگران هفت تپه اعلام میکنند اگر شما نمیتوانید به نیازهای ما پاسخ بدهید ما خودمان شورا تشکیل میدهم و کارخانه را در دست میگیریم و دستمزدمان را

تامین میکنیم، هم دارند خواست فوری خود را برآورده میکنند و هم اتوریته و جایگاه دولت و کارفرما را بجالش میکشند. نفس تشکیل شوراهای کارگری در شرایط انقلابی و بدست گرفتن اداره کارخانه ها یک تعرض قدرتمند جنبش کارگری است با این پیام به طبقه حاکمه که تو دیگر به آخر خط رسیده ای و باید کنار بروی. حامل این پیام به کارفرماها و دولتشان است که نمیتوانید حتی معیشت ما را تامین کنید و صلاحیت اداره کارخانه و جامعه را ندارید. همین امروز شاهد این هستیم که با صعود سرسام آور قیمت دلار، و یا در واقع سقوط آزاد ارزش ریال، که خود یک نتیجه درماندگی و بن بست اقتصادی حکومت است، چه وضعیت و موقعیت فاجعه بار و غیرقابل تحملی برای کارگران و اقشار زحمتکش جامعه بوجود آورده اند. در مقابل این وضعیت شوراهای نه برای طرح مطالبه ای از حکومتی که همه میدانند آفتابش بر لب بام است، بلکه برای تحقق خواستههای کارگران بدست خودشان شکل میگیرند و سر بلند میکنند. همانطور که تاکید کردم این از نظر سیاسی بجالش کشیدن اتوریته و موجودیت حکومت است و بهمین دلیل امروز شوراهای میتوانند در سرنگونی حکومت نقش برجسته و تعیین کننده ای ایفا کنند.

محمد کاظمی: در مورد پارلمان و شوراهای صحبت کردید. وقتی با مخالفین کمونیستها صحبت میکنید میگویند جامعه هنوز به آن حد بلوغ نرسیده که مستقیماً در سیاست دخالت کند و اگر قرار باشد هر روز کارگران و یا مردم مقامات را عزل و نصب کنند هرج و مرج خواهد شد و لازمست ابتدا کارگران تمرین دموکراسی بکنند و غیره. جوابتان به این نوع نظرات چیست؟

حمید تقوائی: این نوع استدلالات تازه نیست. میگویند شورا و رجوع مستقیم به رای مردم آناژشی است. البته آناژشی و هرج و مرج صفت محترمانه ای است. در محافل خصوصی شان که گاهی هم علنی بیان میشود از مردم بعنوان بی سروپاها و توده عوام صحبت میکنند و معتقدند عوامی که نمیدانند سیاست و اقتصاد یعنی

چه، کارشناس و متخصص نیستند و نمیتوانند جامعه را اداره کنند. معتقدند حکومت کردن کار متخصصین و کار خواص است. اصل مساله اینجاست. کلا طبقه سرمایه دار امر حکومت را به یک حرفه تخصصی پیچیده ای تبدیل کرده است که گویا فقط یک عده سیاستمدار حرفه ای میتوانند انجام بدهند. در حالی که قضیه پیچیده نیست و خیلی ساده است. مردم در همه کشورها چه میخواهند؟ رفاه میخواهند، آزادی میخواهند، خواهان نفعی تبعیضات و نابرابری ها هستند و اگر کار بدست مردم باشد همین ها را به سیاست ترجمه میکنند. اما اگر قرار باشد شما بعنوان اقلیتی از جامعه، همان یک درصدیها، منافع خودتان را بعنوان منافع مردم جلوه بدهید معلوم است به متخصص احتیاج دارید. یک سیاستمدار حرفه ای و خبره لازمست تا ریاضتکشی اقتصادی را رفاه جلوه بدهد، جنگ را صلح بنامد، با بلب و موشک و از زمین و هوا مردم کشورهای دیگر را بگویند و ادعا کنند در خدمت صلح و دموکراسی مجاهدت میکنند! مردم هیروشیما و ناکازاکی را زنده زنده به آتش بکشند و آنرا در خدمت صلح و امنیت جهانی جلوه بدهند! از خدمات اجتماعی و بیمه و بهداشت بزنند و بگویند هدفشان تامین رفاه جامعه است! اینها البته تخصص لازم دارد. ولی اگر قرار باشد رفاه را، رفاه و آزادی را، آزادی و برابری را برابری ترجمه کنید هیچ تخصصی لازم ندارید. به همین دلیل این نوع ایرادگیریهایی که حکومت مردم را نباید جدی گرفت. منفعت اقلیت سرمایه دار پشت این نوع نظرات هست و نه هیچ نوع استدلال و منطقی.

اجازه بدهید اینجا به پارلمان هم اشاره کنم. ادعا میکنند پارلمان به رای مردم مبتنی است. رای مردمی که در انزوای خودشان زندگی میکنند، و نه تنها در سیاست هر روزه بلکه در بحثها و مناظرات انتخاباتی هم هیچ نقش و دخالتی ندارند، در یک روز معین به پای صندوقهای رای کشیده میشوند. این "انتخاب" هر اندازه هم واقعی و بدون تقلب باشد (که در کشورهایی مثل ایران اینطور

نیست)، بیانگر انفراد و انزوای آحاد جامعه است و نه هویت جمعی و اجتماعی آنها. نظام شورائی بر عکس بر هویت اجتماعی و خرد و تصمیمات جمعی شهروندان مبتنی است. شورا چهار سال یکبار برای اخذ رای شهروندان منفرد تشکیل نمیشود بلکه همواره متشکل است و همانطور که از اسمش پیدا است در مورد امور سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بطور مستمر مشورت و بحث و تبادل نظر میکند. قدرت کارگر و قدرت توده مردم در تجمع و تبادل نظر و همفکری و همراهی جمعی نهفته است. رای انفرادی کارگری که روزی هشت ساعت کار میکند و فرصت حتی فکر کردن به مسائل سیاسی و اجتماعی را ندارد نمیتواند نماینده آموال و خواستههای واقعی او باشد. در مورد اکثریت عظیم مردم هم که از صبح تا شب بدنبال نان میدوند این امر صادق است.

یک ویژگی منحصر بفرد شوراهای اراده جمعی است. اراده جمعی حاصل تجمعی است که افرادش مدام در تماس و دیالوگ و تبادل نظر با هم قرار داشته باشند. شوراهای این را تامین میکنند چون همیشه دایر هستند. مجمع عمومی شوراهای نه چهارسال یکبار بلکه هر هفته تشکیل میشود و در مورد امور مختلف بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری میکنند. و این یعنی آزادی و رهائی. ماهیت اجتماعی انسان، که هویت همه افراد است، در تجمع شورائی بالفعل میشود، مردم هر روز به فکر منافع همگانی و به فکر بهبود شرایط برای زندگی همه هستند، و شادی و خوشبختی خود را در شادی و خوشبختی همگان می بینند. این امر در خلوت انسانهای منفرد آنهم زیر تبلیغاتی که مینایش فردیت و رقابت فردی و از آب بیرون کشیدن گلیم خود و خانواده خود است، بدست نمی آید. پارلمان و دموکراسی پارلمانی کاملاً در تناقض با هویت اجتماعی و عزم واراده و همدردی و همفکری و همراهی اجتماعی انسانها قرار دارد.

محمد کاظمی: بعنوان سؤال آخر رابطه بین شوراهای و احزاب سیاسی نظیر حزب کمونیست

کارگری چیست؟

حمید تقوائی: شورا شکل و ساختار حکومت سوسیالیستی است اما اینکه چه سیاستهایی در شوراهای مطرح میشود و دست بالا را پیدا میکند تماماً به فعالیت احزاب بستگی دارد. برای اینکه مساله روشن بشود رابطه پارلمان و احزاب سیاسی در جوامع غربی را در نظر بگیرید. پارلمان قوانین را تصویب میکند و احزاب سیاستها و برنامه هایشان را در پارلمان مطرح میکنند و تلاش میکنند به قانون تبدیل کنند. رابطه احزاب با شوراهای نیز به همین شکل است با این تفاوت که البته در دموکراسی پارلمانی رای و اراده مردم نقشی ندارد ولی در شوراهای بطور واقعی تصمیم گیری و انتخاب کننده از میان سیاستهای احزاب شهروندان جامعه هستند. (بعلاوه همانطور که گفتم شوراهای بعنوان قوه مجریه نیز عمل میکنند که این یک فرق اساسی دیگر بین شوراهای پارلمان است). با وجود این تفاوتها نکته مهم در پاسخ به سؤال شما اینست که در نظام شورائی نیز این احزاب هستند که جهتگیریها و گرایشها و سیاستهای مختلفی را نمایندگی میکنند. شوراهای باید تشکیل بشوند و تصمیم بگیرند و کار احزاب اینست که در شوراهای خط و سیاستهایشان را جاری کنند. تا آنجا که به حزب ما مربوط میشود ما خواهان یک جامعه سوسیالیستی هستیم. تحقق سوسیالیسم مبتنی بر یک سری سیاستها، طرحها و برنامه ها و پلافرمها و قوانین و اقدامات است که حزب موظف است آنها را به خط و تصمیمات و قوانین مصوب شوراهای تبدیل کند. در مورد احزاب دیگر هم همین امر صادق است. ما به آزادی بی قید و شرط احزاب معتقدیم. هر حزبی که در جنایات و دزدیهای رژیم فعلی دست نداشته باشد - که در این صورت مجرم است و باید در دادگاههای مردمی حساب پس بدهد- آزاد است که فعالیت کند. بنابرین ممکن است احزاب چپ، راست، سلطنت طلب و حتی مذهبی در جمهوری سوسیالیستی فعال باشند ولی همه این احزاب باید سیاستهایشان را در شوراهای مطرح کنند و به سیاست و قوانین مصوب شوراهای تبدیل

کنند. و البته این سیاستها و قوانین همانطور که بالاتر گفتم نباید ناقض قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی باشد.

یک نکته را باید در اینجا تاکید کرد. در شوراهای شیب زمین به نفع احزاب چپ و سوسیالیستی است. حکومت شورائی شکل واقعی دخالت واقعی و آزادانه توده مردم در سیاست است و این به نفع سوسیالیستها است. چون ما معتقدیم توده مردم یعنی کارگران و اکثریت عظیم جامعه که هم سرنوشت طبقه کارگر است، اگر آزادانه و آگاهانه رای بدهند به ریاضت کشی اقتصادی رای نخواهند داد، به به جنگ افروزی و تروریسم رای نخواهند داد، به قوانین ضد زن و ضد انسانی و به تعصبات و تبعیضات مذهبی و ملی و قومی رای نخواهند داد. ما عمیقاً به این معتقد هستیم و به همین خاطر خواهان آن هستیم که همه احزاب، اعم از احزاب چپ و سوسیالیست و یا احزاب سلطنت طلب و جمهوریخواه و احزاب قومی و مذهبی، آزادانه فعالیت کنند و توده مردم متشکل در شوراهای هم انتخاب کنند. در این تردیدی نداریم که اکثریت عظیم جامعه سیاستهای سوسیالیستی را انتخاب خواهند کرد.

معمولاً اینطور تبلیغ میکنند که در حکومت سوسیالیستی احزاب جایی ندارند و حکومت سوسیالیستی تک حزبی است. این واقعیت ندارد. سابقه و تجربه سرمایه داری دولتی در بلوک شرق را نباید به پای کمونیسم کارگری نوشت. اتفاقاً شوراهای اجازه میدهند که احزاب خط و سیاستهای خود را در گسترده ترین شکل ممکن به دل جامعه ببرند و بیند آیا واقعا توده کارگر و توده مردم با سیاستهای آنها موافقت یا خیر. در هر حال حرف آخر را توده مردم متشکل در شوراهای میزنند و تردیدی نباید داشت که در صورتیکه حزبی مثل حزب ما در شوراهای حضور داشته باشد و فعال باشد توده مردم سیاستهای انسانی و رادیکال و پیشرو سوسیالیستی را انتخاب خواهند کرد.

※

بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

قتل خاشقچی: افشاگر یک دیکتاتور یا یک سیستم؟

کاظم نیکخواه

سرنوشت تکان دهنده جمال خاشقچی ژورنالیست و یکی از چهره های شناخته شده منتقد حکومت عربستان که روز دوم اکتبر یعنی دو هفته پیش در درون سفارت عربستان در ترکیه به نحو فجیعی به قتل رسید، یک بار دیگر چهره حکومت‌های این قرن را جلوی چشم همه گذاشته است. بنا به گزارشها جمال خاشقچی از همسر سابقش جدا شده بود و قرار بود در ترکیه با یک زن شهروند ترکیه ازدواج کند. او با اینکه از رفتن به سفارت عربستان احساس خطر میکرد، تصمیم گرفت برای رسمیت دادن به طلاق به سفارت برود و مدارکش را تحویل بگیرد. این اشتباه او به قیمت جانش تمام شد. نامزد ترکیه ای او دم در سفارت ایستاد تا جمال وارد سفارت شود و وقتی که ساعتها طول کشید و از او خبری نشد به پلیس ترکیه خبر داد. شواهد بعدی و دوربین های مخفی ترکیه و گویا ساعت مچی هوشمند او نشان داده است که جمال خاشقچی بلافاصله بعد از ورود به سفارت مورد حمله قرار گرفته و به اتاق ویژه ای در درون سفارت منتقل شده و زیر شکنجه قرار گرفته و بعد وحشیانه به قتل رسیده است و جسدش را نیز نابود کرده اند. جوخه مرگ ۱۵ نفره ای که با مأموریت ویژه این قتل از عربستان با دو هواییمای اختصاصی به فرودگاه آنکارا وارد شده بود بلافاصله بعد از این جنایت از در پشت سفارت خارج شده و با هواییما به عربستان بازگشته است.

حکومت شیوخ عربستان يك استثنا در گوشه ای دورافتاده از دنیای کنونی نیست. این حکومت یکی از دولتهای شناخته شده و شاخص سرمایه داری امروز است و در مناسبات بسیار نزدیک با دولتهای دموکراتیک غرب است. در عین حال دنیا میدانند که اینها يك باند جنایتکار و دیکتاتور و مرتجع

و بسیار عقب مانده هستند که روی پولهای بسیار عظیم نفت نشسته اند و با همین پولها در گوشه و کنار جهان یکه تازی میکنند و سیاست جابجا میکنند. مساله اینست که مدیای سرمایه داری به مردم قولانده است که سیاستهای عصر حجری خانواده آل سعود گویا ربط مستقیمی به سیستم سرمایه داری امروز و دموکراسی غربی و دولتهایش ندارند. گویا شیوخی هستند و بخاطر فرهنگ و سنت مردم نه منافع پولی و اقتصادی باند شیوخ میلیاردر حاکم، سیاستهای را پیاده میکنند که از جمله میتوان به چند همسری و بی حقوقی مطلق زنان و اعدام و سر بریدن مخالفین با شمشیر و ممنوعیت مطلق انتقاد و مخالفت با دستگاه حاکم را اشاره کرد. که حتی شدن اخبار گوشه هایی از عملکرد جنایتکارانه آن تکان دهنده و باور نکردنی است.

اینکه امروز حاکمین عربستان با گسیل يك جوخه مرگ به کشوری دیگر قتلی را در داخل سفارتخانه رسمی خود به این شکل فجیع انجام میدهند فراتر رفتن از جنایات و عملکرد تاکنونی و جلو زدن از عرف همه دیکتاتورها و جنایتکاران تاریخ این دوره است. این نشان میدهد که حکومت عربستان دارد سطح جدیدی از قللری و جنایتکاری را به عمل در می آورد که تاکنون شناخته شده نبود. همه میدانند و تجربه کرده اند که سفارتخانه های دولتهای جنایتکاری مثل حکومت عربستان و جمهوری اسلامی ایران و بسیاری کشورهای دیگر محل جاسوسی و توطئه گری علیه مخالفین سیاسی شان در کشورهای دیگر است. این را همه میدانند و دولتهای غربی هم تا زمانی که افشا نشده است و زیر فشار افکار عمومی قرار نگرفته اند به آن کاری ندارند. اما اینکه در همان

سفارتخانه های رسمی دستگاه شکنجه و قتل و اعدامشان را هم برپا کنند، يك گام جدید و بی سابقه است که شیوخ حاکم عربستان دارند آنرا تجربه میکنند.

خبر قتل فجیعی جمال خاشقچی توسط دوست و همسر ترکیه ایش که او را تا درب سفارت همراهی کرده بود رسانه ای شد و رسانه ها آنرا انتشار دادند و مقامات ترکیه ابتدا اعلام بی اطلاعی کردند و بعدا که دیدند مساله جدی است و دنیا توجهش به آن جلب شده وارد ماجرا شدند. تا اینجا عجیب نیست. آنچه نفرت انگیز است اینست که دولت آمریکا و برخی دولتهای اروپایی دارند تلاش میکنند که این قتل را توجیه کنند و دونالد ترامپ مثل جمهوری اسلامی این جنایت را به گردن "عوامل خودسر" در عربستان انداخته است و خانواده آل سعود را تبرئه میکنند. اما همه سرنخهای قتل به بن سلمان ولیعهد همه کاره عربستان میرسد. آخرین خبرها و عکسها و فیلمهای دوربینهای مخفی گویای اینست که دو تن از عوامل این قتل از همراهان و دوستان نزدیک بن سلمان بوده اند و بارها در سفرهای مختلف به کشورهای اروپایی او را همراهی کرده اند. سه تن دیگر از آنان از گاردها و محافظان او بوده اند. نفر ششم این جوخه مرگ دکتری است که بست بسیار بالایی در پزشکی قانونی در وزارت اطلاعات عربستان دارد. اسامی همه این افراد مشخص شده و در رسانه ها اعلام شده است. همه اینها این را تاکید میکند که این قتل به دستور مقامات بالای عربستان و شخص شاهزاده بن سلمان انجام شده است. اما جالب است که اینجا هم برخی رسانه ها و مفسرین مزدورشان دارند تلاش میکنند این بحث و این سوال را جا بیندازند که حتی اگر

تعفن دوسوی نزاع

بر سر مهریه

حسن صالحی

بر سر مهریه میان يك عمامه به سر کله پوک حوزه نشین (ناصر مکارم شیرازی) و عمامه به سر دیگری که ریاست قوه قضائیه را بر عهده دارد، صادق لاریجانی، جنگ و دعوایی در گرفته است. یکی می گوید "قوه قضائیه بر خلاف نظر اسلام، مردان را مجبور می کند در صورت نداشتن توانایی مالی، مهریه را قسطی بدهند و تا تمام نشدن قسط زن نباید از مرد تمکین کند. و دیگری جواب می دهد: "ما از پس کوه قاف نیامده ایم. ما نگفتیم زن اگر مهرش را نگیرد تمکین نکند، ما گفتیم می تواند تمکین نکند."

صرفنظر از اینکه در نزاع کرکسان اسلامی با یکدیگر همیشه تمکین زنان به مردان فرض گرفته می شود سؤال این است که چرا جدال بر سر مهریه بالا گرفته است؟ طبعاً این جدال جنبه های مختلفی دارد. يك دلیل دعوی حکومتی بر سر مهریه به این خاطر است که بر خلاف ضرب المثلی که می گوید "مهریه را کی داده و کی گرفته" زندانها پر از محکومان است که نتوانسته اند مهریه خود را بپردازند. راه حلهایی که دو طرف نزاع برای رفع این مشکل ارائه می دهند تفاوت چندانی ندارند. زن و مرد در این رویکردها هر دو در مرداب گنبدیده اسلامی خفه می شوند. چرا که در آن کشور اسلام زده قوانین ارتجاعی هزار و چهار صد سال پیش شیوخ صحرای

عربستان حکم می راند. اگر قوانین ارتجاعی شرع بر کشور حاکم نبود و اگر قوانین انسانی و مساوات طلبانه در جامعه برقرار بود، می بایست هرگونه معامله گری در ازدواج نظیر تعیین شیربها، جهیزیه، مهریه و غیره بعنوان شروط ازدواج ممنوع می شد. واقعیت این است فلسفه وجودی چیزی به اسم مهریه بهای فروش زن به شوهر است. یعنی زن رسماً کالا است و او در ازای مبلغی به فروش میرسد. اینکه عده ای می گویند در اسلام مهریه به "هدیه" یا "عطیه" تغییر یافت صحت ندارد. چرا که به حکم قوانین اسلامی در ایران شما اگر این "هدیه" را ندهید راهی زندان می شوید. در بحث مهریه عشقی حاکم نیست. روابط خانوادگی با فرهنگ مردسالارانه معامله گرایانه شکل می گیرند. زنی را می خرید و او موظف است به شما سرویس جنسی بدهد. اگر شوهر قبل از برقرار کردن ارتباط جنسی با زن منصرف شود باید نصف مهریه را بپردازد و چنانچه شوهر از پیش همه مهریه را پرداخته باشد حالا می تواند نصف آنرا پس بگیرد. استقلال و حقوق برابر زن در عوض پولی که از طریق مهریه می تواند نصیبش می شود، از او سلب می گردد. کل این مناسبات و روابط تبعیض آمیز، توهین آمیز و مبتنی بر تملک مرد بر زن است.

※

شاهزاده بن سلمان ولیعهد همه کاره این کشور دستور این قتل را صادر کرده باشد، سوال اینست که آیا ملک سلمان شاه عربستان ولیعهدش را توییح یا برکنار خواهد کرد یا نه. یعنی فرض بر اینست که حتی با قبول اینکه جنایت استانبول به دستور بن سلمان انجام شده باشد، شخص شخیص شاه خود خبری از این جنایت نداشته است.

فقط میتوان گفت که این بازیها نفرت انگیز است. مردم این باند جنایتکار و مرتجع را خوب

میشناسند. اینکه امروز قتل خاشقچی انعکاس اینچینی پیدا کرده و مثل بمب در سطح جهان صدا کرده است، در واقع به یمن وجود رسانه های اجتماعی و مردمی است که دارند به زبانهای مختلف اعلام میکنند که دوره ارتجاع سرمایه داری و دیکتاتورهای کثیف و انگل آن دیگر گذشته است و باید به حاکمیت این باندهای مافیائی مفتخور و خون آشام برای همیشه در همه جای جهان پایان داد. ※

اشاره انگشتی کفایت می کند

کیوان جاوید



این عکس با آن انگشتان وسط و آن موهای آزاد، پرچمی است که از ۸ مارس ۱۳۳۷ به دست این نسل جوان و جسور داده شده است. بیاد داشته باشیم که یک شعار کوبنده ۸

این عکس نماد ضد مذهب و ضد اسلام است. نماد مبارزه با جمهوری اسلامی و فشرده چند نسل مبارزه سیستماتیک زنان علیه ارتجاع مخوف اسلامی.

حکومت اسلامی جدا کند با این جواب تاریخی دختران دانش آموز و به یک معنا با جواب کل زنان در ایران مواجه می شود که دین سم است، دین تعفن است و دین اسیدی است بر پیکر زنان و جامعه.

این تصویر که می بیند تصویر یک مبارزه عمیق و انسانی و رهایی بخش است که تنها می تواند با پایان دادن به بساط حماقت و جهالت اسلامی - مذهبی و با شکست ماشین کشتار جمعی حاکم در ایران به نتیجه مطلوب و نهایی خود برسد.

این عکسی است که دانش آموزان در حمایت از اعتصاب معلمان گرفته و منتشر کرده اند.

یعنی جنبش ضد اسلامی - مذهبی مستقیماً از نبرد فرهنگی به نبرد سیاسی وارد می شود. این یعنی شروع اعتصابات سراسری همه بخش های جامعه و با همه خواسته های انسانی علیه ارتجاع اسلامی حاکم. یعنی شروع انقلاب بهم تنیده و به هم پیوسته ای که می رود به عمر جمهوری اسلامی پایان بدهد. *

پرچم نسبیت فرهنگی را بالا کشیدند. مردم اسیر در چنگال دیو اسلام سیاسی را تنها گذاشتند و اعلام کردند یک فرهنگ جهانی و انسانی نداریم. اگر زن بدست هیولای اسلامی سنگسار می شود و شلاق می خورد و به قتل می رسد، می شود نادیده اش گرفت، فراموشش کرد و گفت فرهنگ خودشان است. این تعرض به آزادی خواهی جهانی بود. آن جنبش آزادیخواهانه زنان در سال ۵۷ امروز انگشت وسطین خود را به این تئوری ارتجاعی نسبیت فرهنگی نیز نشان می دهد و پایان این تئوری ارتجاعی را اعلام می کند و می گوید همچنان ارزش های انسانی جهانی است.

دختران دانش آموز که در این عکس می بینید جواب سیاسی و فرهنگی و انقلابی خود را به همه جریانات راست اپوزیسیون ایرانی هم داده اند. وقتی راست پرو آمریکایی سلطنت طلب در به در دنبال "روحانیون مبارز" می گردند و در جریان قیام دی ماه ۹۶ برای این روحانیون از گور برخاسته پیام دوستی می فرستند و می خواهند "اسلام خوب"، صف اش را از

دانشجویان سراسر کشور وقت اعتصابات سراسری شما

فرارسیده است

هرچیز ترس حکومت از پیاخاستن دانشجویان را نشان میدهد نه قدرت حکومت را. باید با قدرت پیاخیزیم و قدرت واقعی خود را به حکومت چپاول اسلامی نشان دهیم. نه تنها در دفاع از حقوق حقه دانشجویان و علیه بگیر و ببندهایی که علیه دانشجویان در جریان بوده است بلکه در دفاع از مردم، در همبستگی با اعتصابات و اعتراضات سراسری، علیه فقر و گرانی و تبعیض و سرکوب و بیحقوقی، علیه اعدام و بیحقوقی زن و برای آزادی زندانیان سیاسی. دانشجویان سراسر کشور، امروز جامعه به شما چشم دوخته است. شما را فرامیخوانیم که خود را برای اعتصاب در سراسر کشور آماده کنید.

سازمان جوانان کمونیست

بنفس مردم بالا رفته و حکومت را زمینگیر میکنند. شتاب این اعتصابات در عین حال نشاندهنده روزهای بسیار طوفانی تر در هفته ها و ماههای بعد است. جمهوری اسلامی هیچگاه در داخل کشور و در سطح منطقه و بین المللی چنان ضعیف و مستاصل نبوده است. هیچگاه اینچنین بی آبرو و بحرانی نبوده است. وقت آن است که دانشگاه ها نیز خود را برای اعتصابات سراسری و قدرتمند خود آماده کنند.

دانشگاهها همیشه یک سنگر محکم و مهم آزادیخواهی در جامعه بوده است. همیشه یک سنگر دفاع از حقوق کلیه مردم بوده است. روشن است که در ماههای گذشته فشارهای امنیتی و دستگیری و احکام سنگین علیه دانشجویان تشدید شده است. اما این قبل از

اعتصابات سراسری هفته های گذشته، نشانه آشکاری از ورود جامعه به فاز جدیدی از مبارزه علیه جمهوری اسلامی، علیه فقر و گرانی، علیه اعدام و بیحقوقی و علیه فساد و اختلاس و در یک کلام علیه موجود فرتوت و کریهی به نام جمهوری اسلامی است.

اعتصاب سراسری امروز معلمان یکی از مهمترین اعتراضات معلمان است. اعتصاب سراسری ۲۱ شهریور در کردستان یکی از همه گیرترین و سیاسی ترین اعتصابات در کردستان بود. اعتصاب ۲۱ روزه رانندگان کامیون در ۳۲۰ شهر نیز اعتصابی بزرگ و قدرتمند و سازمان یافته بود. این اعتصابات بخوبی روند به جلو آمدن بخش های مختلف جامعه را نشان میدهد. نشان میدهد که چگونه اعتماد

اعدام نه!

STOP
EXECUTION
IN IRAN
NOW!

DOWN WITH ISLAMIC
REPUBLIC OF IRAN

22 مهر 1397
14 اکتبر 2018

زنده باد آزادی، برابری و
سوسیالیسم
سازمان جوانان کمونیست

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

تجمع سراسری بازنشستگان مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران، اعتصاب سراسری دو روزه معلمان در ۲۲ و ۲۳ تیرماه و ابعاد اجتماعی آن و کشیده شدن دامنه اش به بیش از ۶۰ شهر و اعتصاب قدرتمند رانندگان کامیون و کامیونداران و اتفاقات بعد از این اعتصاب از جمله اتفاقات مهم این هفته هستند که بیش از هر چیز عزم و اراده جامعه برای عملی کردن خواستههایشان را به نمایش میگذارد. نگاهی از نزدیک به این اتفاقات داشته باشیم.

تجمع بازنشستگان با خواستههای رادیکال و انسانی

روز ۲۴ مهر ماه بنا بر قراری از قبل اعلام شده شمار زیادی از بازنشستگان به نمایندگی از سوی همکارانشان از استانهای مختلف برای پیگیری خواستههایشان مقابل دفتر سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. اعتراض بازنشستگان به فقر، گرانی، بی تامینی، اختلاس ها و برای داشتن یک زندگی انسانی است. بازنشستگان در این تجمع اعتراضی با شعار خط فقر ۶ میلیون حقوق ما ۲ میلیون اعتراض خود را به حقوقهای چند بار زیر خط اعلام کردند. با فریاد خواستههای سراسری تحصیل رایگان برای کودکان و بیمه رایگان، اعتراض کل جامعه را به اینهمه بی تامینی و بیحقوقی نمایندگی کردند، با شعار اگر که ما نبودیم، تو او بالا نبود، بساط تبعیض و نابرابری و شکاف عظیم طبقاتی حاکم بر جامعه را به چالش کشیدند و با شعارهایی چون سوریه رو رها کن فکری به حال ما کن، دشمن ما همین جاست، دردست آمریکاست، به طور واقعی کل حاکمیت را به چالش کشیدند و بر روی تبلیغات جریاناتی که بدنبال راه حل های زد و بند از بالای سر

مردم و متوسل شدن به آمریکا و غیره هستند خط بطلان کشیدند. بازنشستگان یک بخش پیشتاز جامعه هستند که در مبارزات تا کنونی شان با شعارهای اعتراضی خود نقش مهمی در جلو آوردن گفتمان های رادیکال و چپ در جنبش کارگری و کل جامعه داشته اند. این بار نیز بازنشستگان در همین قامت ظاهر شدند و نقش ایفا کردند. با این تفاوت که تجمع ۲۴ مهر ماه آنان در فضای سیاسی بسیار متفاوتی برپا شد. این تجمع در شرایطی بر پا شد که جامعه سرعت بسوی اعتصابات و اعتراضات سراسری گام برمیدارد و بازنشستگان با شعارهای رادیکال و انسانی خود بر اعتراضات کل جامعه روشنایی بخشیدند.

۲۱ روز اعتصاب قدرتمند رانندگان کامیون با درسهایی آموختنی

۲۱ روز اعتصاب رانندگان کامیون و کامیونداران نمونه ای از اعتصابات سراسری سازمان یافته، مدرن و رادیکال بود که درسهایی آموزنده بسیاری برای کل جامعه داشت و توانست قدرت اعتصاب، این ابزار مهم اعتراض، و امکان دست بردن به آن در توازن قوای سیاسی امروز را مقابل چشم کل جامعه قرار دهد. اعتصاب رانندگان کامیون در اعتراض به موضوعاتی چون گرانی فزاینده و افزایش هر روزه قیمت وسایل یدکی، حقوقهای چند بار زیر خط فقر و محرومیت از هر گونه تامینی، فساد و چپاول در سیستم حمل و نقل، عوارض سنگین اتوبانها، قیمت های سرسام آور قطعات یدکی، رشوه خواری ماموران راهنمایی و رانندگی، تعیین کمیسیونهای کمر شکن توسط شرکتهای حمل و نقل، اختلاس و یک تازی پایانه های حمل و نقل و رشوه گیری های زیر میزی و

یکه تازی دلان و واسطه ها برپا شد. اعتصابی چپ و انسانی که با اعلام هدف پایان دادن به بساط ظلم و نابرابری حاکم، موجی از همبستگی را حول خود شکل داد.

یک تلاش دائمی رانندگان کامیون در این اعتصاب، پیوند زدن اعتراضاتشان به بخش ها دیگر جامعه بود. از جمله آنها با شعارهای درد ما درد شماست، از ما حمایت کنید. کارگر، معلم، دانشجو، راننده اتحاد، اتحاد، کل جامعه را به حمایت از چالشی که واردش شده بودند فرا خواندند. این شورانگیز بود و توانست حمایت تشکلهای مختلف کارگری و بخش های وسیعی از جامعه را همراه داشته باشد و بازتاب جهانی پیدا کند. از جمله آی تی اف فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل که ۱۹ میلیون کارگر را در بر میگیرد و اتحادیه های کارگران حمل و نقل در کشورهای دیگر چون دانمارک، کانادا، آمریکا، هلند از آن اعلام حمایت کردند.

طی بیست و یک روز اعتصاب رانندگان کامیون حکومت اسلامی با انواع و اقسام حربه ها تلاش کرد، اعتصاب آنان را در هم شکنند، از جمله تریلی های بار را با اسکورت سپاه همراهی کرد. در جاهایی به طور نمایشی تریلی هایی را بار زدند و در صدا و سیماشان نشان دادند تا به مردم وانمود کنند که اعتصاب در هم شکسته شده است. از ماشین های سپاه و قطار و اتوبوس و هر وسیله که دم دست داشتند برای بردن بار استفاده کردند. اما گزارشات از نرسیدن بار به کارخانجات مختلف و معادن و مراکز نفت و غیره ابعاد اجتماعی و قدرتمند این اعتصاب را به روشنی بیان میکرد و حکومتیان با این ترغیب ها نتوانستند خدشه ای در اعتصاب متحد رانندگان وارد

کنند. در تقابل با این توطئه گری ها رانندگان اعتصابی کامیون از طریق گروههای تلگرامی هزاران نفره ای که ایجاد کرده بودند مرتباً اطلاع رسانی کردند و بازار شایعه پراکنی رژیم را کساد کردند. به تبلیغات حکومتیان علیه اعتصاب رانندگان و اینکه اعتصاب در رسیدن اجناس مورد نیاز به مردم اختلال ایجاد کرده است پاسخ کوبنده ای دادند و با گفتن اینکه ما هم مردم هستیم و مشکل نرسیدن بار نیست، بلکه مشکل گرانی آنست و همه به آن اعتراض داریم، مردم را هر چه بیشتر با خود همراه کردند. بدین ترتیب این اعتصاب لحظه به لحظه هدایت و رهبری شد و توده عظیم رانندگان کامیون با حضور هر روزه شان در گروههای تلگرامی دخالتگر بودند و توانستند این اعتصاب درخشان را بیافرینند. به سهم خود به سازماندهندگان این اعتصاب شکوهمند درود میگویم.

یک ابزار دیگر رژیم در برخورد به اعتصاب رانندگان کامیون و کامیونداران دستگیری و زندان بود. در جریان این اعتراضات ۲۵۶ نفر بازداشت شدند. تهدیدات مقامات قضایی علیه رانندگان اعتصابی بازداشت شده بالا گرفت. محسن کرمی، سرپرست دادستانی قزوین طی اظهاراتی از اینکه اگر محاربه ۱۷ راننده بازداشتی محرز شود احکام سنگینی همچون اعدام در انتظارشان خواهد بود، سخن گفت. اما علیرغم این تهدیدات و دستگیری های هر روزه اعتصاب رانندگان کامیون بیست و یک روز ادامه یافت. پاسخ رانندگان کامیون به این دستگیری ها این بود که ما ۶۰۰ هزار نفر هستیم، با قدرت اتحاد و مبارزه مان تمام همکاران بازداشتی خود را آزاد خواهیم کرد. از سوی دیگر این تهدیدات با موجی از اعتراض روبرو گردید. از جمله فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (آی تی اف) طی بیانیه ای در ۲۰ مهرماه با شدیدترین عبارات به تقاضای مجازات اعدام برای هفده راننده

اعتصابی قزوین اعتراض کرد. "استیون کاتن" دبیرکل این فدراسیون در این نامه خواستار مداخله سازمان بین المللی کار آی ال او" در این مورد شد.

روز ۲۲ مهرماه رانندگان کامیون بدنبال وعده عملی شدن سه مورد از خواستههایشان که در نتیجه اجرای آنها بهبودی در دریافتی هایشان ایجاد خواهد شد، موقتاً اعتصاب خود را پایان دادند و اعلام کردند که اگر تمامی هفده خواست آنان اجرا نشود دوباره دست به اعتصاب خواهند زد. اکنون ادامه بازداشت ۲۵۶ راننده معترض و دادگاهی کردن آنان، از جمله محکوم شدن یکی از رانندگان بازداشتی در شیراز بخاطر شرکتش در اعتصاب تحت عناوین مسخره ای چون اختلال در نظم عمومی و امنیت، تخریب البسه پلیس به هفت سال و نیم حبس، زمزمه های به راه افتادن اعتصابی دیگر را در میان رانندگان کامیون و کامیونداران به راه انداخته است.

نگاهی به این گزارش مختصر از اعتصابی بزرگ و شورانگیز، ابعاد اجتماعی و عظیم اعتصاب رانندگان کامیون را مقابل چشم همگان قرار میدهد. ابعاد قدرتمند و اجتماعی این اعتصاب، سازمان یافتگی آن و بطور نمونه اعلام تشکیل صندوق اعتصاب به عنوان شکلی از همبستگی مبارزاتی در اعتصابات و ایجاد شوراهای هماهنگی اعتصاب در همان دور اول اعتصاب رانندگان کامیون همه و همه دست آوردهای اعتصابی بزرگ و فراموش نشدنی است و این چنین است که اعتصاب رانندگان کامیون و کامیون داران به کل جامعه راه نشان داد.

اعتصاب معلمان، اعتصابی اجتماعی با دستاوردهایی بزرگ

در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر ماه معلمان با اعتصاب سراسری خود و در بیش از ۶۰ شهر در استانهای مختلف به میدان آمدند. اعتصاب معلمان با

معلمان دست به اعتصاب سراسری زدند

حزب کمونیست کارگری این اعتصاب را نقطه عطف دیگری در روند گسترش مبارزه و اعتصابات و اعتراضات سراسری علیه فقر و گرانی و بیحقوقی میدانند و با تمام قوا از آن حمایت میکنند و خانواده ها و بخش های مختلف مردم را به حمایت فعال از آن فرامیخوانند. اعتصاب فردا ۲۳ مهر نیز ادامه دارد.

زنده باد اعتصاب سراسری معلمان
زنده باد اعتصابات و اعتراضات
سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ مهر ۱۳۹۷، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۸
*

میشود. معلمان به نهادهای امنیتی حکومت هشدار داده اند و اعلام کرده اند برخورد امنیتی مانع اعتصاب آنان نخواهد شد. معلمان، خانواده های دانش آموزان و معلمان بازنشسته را به حمایت از اعتصاب خود فراخوانده اند و اعلام کرده اند که اگر به خواسته هایمان رسیدگی نشود، آبان ماه نیز برمیگردیم.

تحصیل رایگان، درمان رایگان، افزایش حقوق بالای ۶ میلیون، آزادی معلمان زندانی و کلیه زندانی سیاسی و سایر خواست های معلمان، خواست های همه مردم است. با تمام قوا از اعتصاب معلمان و خواست های آنها حمایت کنیم.

حقوق بالای ۶ میلیون، آزادی معلمان زندانی، ایمن سازی مدارس، کیفیت بهتر آموزشی، لغو خصوصی سازی و کالایی کردن آموزش، بازگرداندن میلیاردها تومان ذخیره صندوق معلمان که به تاراج رفته است. در یک کلام معلمان به فقر و گرانی و بیحقوقی و فساد و بساط دزدسالار اسلامی اعتراض دارند.

اعتصاب سراسری و قدرتمند معلمان در ادامه اعتصاب سراسری در کردستان، اعتصاب سراسری کامیون رانان، اعتصاب سراسری بازار، و اعتصابات گسترده کارگری صورت میگیرد و به نوبه خود زمینه ساز اعتصابات سراسری بخش های دیگری از جامعه

ایلام، گناباد، تربت حیدریه، بجنورد، نجف آباد، شاهین شهر، زرین شهر، خرم آباد، روشکان، گرمه، لامرد، فیروزآباد، ایوان غرب، شهرک قدس تهران، کرج، سروآباد، گلستان، جلفا، گرمه، پاره، دیواندره و دهها شهر دیگر وسیعاً دست به اعتصاب زدند و با تحصن در دفتر مدارس و در دست گرفتن پلاکاردهایی که خواست های آنها را بیان میکند، اعتراض قدرتمندی را سازمان دادند.

اهم خواست های معلمان که در فراخوان شورای سراسری تشکل های صنفی معلمان و در صدها پلاکارد در دست معلمان اعتصابی بیان شده به این شرح است: تحصیل رایگان، درمان رایگان، افزایش

امروز 22 مهر معلمان در سراسر کشور به فراخوان شورای هماهنگی تشکل های صنفی وسیعاً پاسخ دادند و مدارس کشور در اعتصاب فرو رفت. این اعتصاب که قرار است فردا نیز ادامه پیدا کند، یک اتفاق مهم سیاسی در شرایط امروز جامعه ایران است.

معلمان در استانها و شهرهای مختلف در مدارس دخترانه و پسرانه در تهران، اصفهان، کرمانشاه، تبریز، شیراز، مشهد، یزد، سمنان، مریوان، سقز، همدان، بابل، آمل، ساری، تاکستان، قزوین، زوبه، پاره، اسلام آباد غرب، البرز، روانسر، جوارنود، یاسوج، البرز، کازرون، دهگلان، زنجان،



سراسری و عمومی گام بر میدارد. در عین حال جامعه بیش از پیش با خواسته های رادیکال و انسانی خود به جلو می آید و گرد بیانیه ها برای آزادی و برابری و رهایی از شر جمهوری اسلامی متحد میگردد. به این اعتبار دوره جدیدی آغاز شده است. دوره ای که بیش از هر وقت بر سازمانیابی در حزب و بر ایجاد شوراهای سراسری سازماندهی اعتراضات و شوراهای مستقل کارگری برای وارد عمل مستقیم شدن خود ما مردم تاکید میگذارد. به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید. شوراهایمان را در همه جا و بصورت سراسری شکل دهیم. *

دانش آموزان خود را توضیح دادند و آگاه کردن آنان به حق تحصیل رایگان درس مهمی بود که به آنها دادند. اینها همه اتفاقات شورانگیزی است که جایگاه مهم و بازتاب اجتماعی دو روز اعتصاب معلمان را بدست میدهد. بدین ترتیب معلمان دو روز اعتصاب خطاری خود را با شکوه برپا کردند و اولتیماتوم دادند که اگر پاسخ نگیرند در آبانماه در اشکال گسترده تر باز خواهند گشت.

نگاهی به همه این اتفاقات، ابعاد عظیم اجتماعی تحولی که در کورانش قرار داریم را بطور برجسته ای نمایان میکند. جامعه بسرعت بسوی اعتصابات

معلمان حمایت کردند. در چند دانشگاه از جمله دانشگاه تهران نیز دانشجویان در همبستگی با اعتصاب معلمان تجمع اعتراضی برپا کردند و ضمن تاکید بر خواسته های معلمان خواستار آزادی معلمان زندانی شدند. در این حرکت اعتراضی خود معلمان نیز با ابتکارات جالبی تلاش کردند جامعه را از موضوع اعتراضشان مطلع کنند و به یک همبستگی مبارزاتی شکل دهند. از جمله در مدرسه ای در استان مرکزی معلمان در جمع سیصد نفری انجمن و اولیاء مربیان علت اعتصاب خود را توضیح دادند و خواستار حمایت و پشتیبانی شدند. در جاهایی معلمانی موضوع اعتراض را به

ماست، از اعتصاب معلمانشان حمایت کردند. همچنین بیانیه های حمایتی بسیاری از سوی تشکلهای و نهادهای اجتماعی مختلف چون سندیکای نیشکر هفت تپه، سندیکای واحد، اتحادیه آزاد کارگران ایران، شورای صنفی دانشجویان سراسر کشور، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در حمایت از خواسته ها و اعتراضات معلمان انتشار یافت. در میان این حمایت ها کسانی چون مادر افشین اسانلو بعنوان مادری که فرزندش در زندانهای حکومت به قتل رسیده است، زبیده حاجی زاده همسر بهنام ابراهیم زاده به عنوان انسانی که سالها بخاطر در زندان بودن همسرش و درگیر بودن با بیماری تنها فرزندش به بیماری سرطان از هر گونه تأمین و امنیت و معاشی محروم مانده است، رضوان خان بیگی همسر بهفر لاله زاری یکی از زندانیان سیاسی در بند و بهنام ابراهیم زاده از فعالین دفاع از حقوق کودک و حقوق کارگر با در دست گرفتن نوشته ای که بر رویش حمایت خود را از اعتراضات معلمان اعلام کرده بودند، عکس گرفته و با فرستادن این عکس ها به مدیای اجتماعی، از مبارزات

از صفحه ۷

شعاری چون تحصیل رایگان حق مسلم همه کودکان است، آموزش را کالایی نکنید، به سیستم تبعیض آمیز آموزشی پایان دهید، مدارس خصوص لغو باید گردد، که همگی خواسته های سراسری کل جامعه است، بازتاب اجتماعی وسیعی پیدا کرد و یک دستاورد آن تشبیت خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان در راس خواسته های همه مردم است. فراخوان اعتصاب معلمان که از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان صادر شده بود خطاب به مردم و از جمله به تمامی خانواده های دانش آموزان هم بود. بدین ترتیب اعتصاب دو روزه معلمان با فراخوانهایش که بطور واقعی کل جامعه را در بر میگرفت، توانست به حرکتی اجتماعی تبدیل شود. از جمله این اعتصاب و خواسته های معلمان به موضوع داغ بحث در میان هزاران نفر از مردمی که در گروه های مختلف تلگرامی متشکل هستند، تبدیل شد و مورد حمایت قرار گرفت. در مدارس بسیاری دانش آموزان با شعار تحصیل رایگان حق مسلم

جامعه به کدام سو میرود شهلا دانشفر



جامعه ایران دوره پر تلاطمی را پشت سر میگذارد. جنبش کارگری و اعتراضات بخش های مختلف مردم هر روز سازمانیافته تر و قدرتمندتر گام بر میدارند و برپایی اعتصابات سراسری و رفتن بسوی اعتصاب عمومی به گفتمان کل جامعه تبدیل شده است. اعتصاب قدرتمند رانندگان کامیون و کامیونداران که در هفته اخیر موقتا پایان یافت، دو روز اعتصاب سراسری معلمان که دامنه آن به بیش از ۶۰ شهر کشیده شد و تجمع سراسری بازنشستگان در بیست و چهارم مهر ماه و همچنین اعتصاب یکروزه بازاریان و قبل از همه اینها اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان و در شهرهای دیگری از خارج کردستان علیه اعدام ها و علیه ماشین سرکوب و جنایت حکومت اسلامی اتفاقات شورانگیزی هستند که فضای سیاسی جامعه را شکل داده اند. این اعتراضات دریچه جدیدی به روی مبارزات کل جامعه برای رهایی از شر جهنم جمهوری اسلامی گشوده است. این اعتصابات و تجمعات اعتراضی بر محورهای مشترکی چون اعتراض به گرانی، به تورم، به

تبعیض و نابرابری شکل میگیرند اما روشن است که دامنه آنها صرفا محدود به این مسائل نیست. تحرك اخیر دانشگاهها نیز بواسطه اعتصاب معلمان بود که باعث شد تکانی به فضای دانشگاهها داده شود. محیط های کارگری در برابر دزدی و چپاول دستمزدها و نوع قراردادهای برده وار کاری و اخراج ها و بیکارسازیها پر تلاطم است. یک گفتمان مهم در اعتراضات کارگری داشتن حق تشکل و حق برپایی تشکلهاست. بعلاوه اعتراض در بخش های دیگر جامعه میجوشد؛ از جمله اعتراض کشاورزان علیه بی آبی و نمونه آن در این هفته در ورزنه اصفهان، اعتراضات وسیع علیه بیکاری و درگیر شدن با چماقداران شهرداری، برداشتن حجاب ها و علیه تفکیک جنسیتی و حق ورود به استادیوم ورزشی، اعتراض در دفاع از حقوق کودک، اعتراضات در منطقه زلزله زده کرمانشاه بخاطر باقی ماندن مشکلات آنان بعد از گذشت یکسال از فاجعه زلزله در این منطقه و... از جمله آنهاست. بحث صرفا بر سر این نیست که بخشهای مختلف مردم دارند وسیعا اعتراض میکنند. این را

برای کل جامعه در بر داشت و مهمتر از همه قدرت اعتصاب، این ابزار مهم اعتراض و ممکن بودن دست بردن به آن در توازن قوای سیاسی امروز را مقابل چشم کل جامعه قرار داد. این اعتصاب با اعلام هدف پایان دادن به بساط ظلم و نابرابری حاکم، موجی از همبستگی را حول خود شکل داد و به عنوان يك پیشروی مهم در جنبش کارگری و درکل جامعه توانست خود را ثبت کند.

روز ۲۲ مهرماه اعتصاب رانندگان کامیون پایان یافت. اما در همین روز و روز بعد از آن معلمان با اعتصاب سراسری دو روزه خود به میدان آمدند و دامنه اعتصابشان در فرصت کوتاهی بیش از ۶۰ شهر و صدها مدرسه در استانهای مختلف را در بر گرفت. اعتصاب معلمان با شعارهایی چون "تحصیل رایگان حق مسلم همه کودکان است"، "آموزش را کالایی نکنید"، "به سیستم تبعیض آمیز آموزشی پایان دهید" و "مدارس خصوص لغو باید گردد" بازتاب اجتماعی وسیعی پیدا کرد. يك دستاورد این اعتصاب و تحسن کوییدن مهر خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان در راس خواستهای همه مردم بود. فراخوان این اعتصاب از ابتدا با قدرت و در خطاب به حراستی های حکومتی که اجازه ندادند مانع شوید داده شد و اولتیماتم آن این بود که اگر پاسخ نگیریم، آبانماه بر میگردیم. فراخوان اعتصاب معلمان به همکارانشان، به معلمان بازنشسته و به همه مردم و خانواده های دانش آموزان بود. این کار معلمان به اعتصاب آنان ابعادی اجتماعی داد و این خود در جنبش کارگری و در اعتراضات کل جامعه نوین بود.

این چنین بود که اعتصاب معلمان حمایت های بسیاری را از سوی تشکلهای مختلف کارگری، بازنشستگان، دانش آموزان و خانواده هایشان بخود جلب کرد. از جمله این اعتصاب و خواستهای معلمان به موضوع داغ بحث در میان هزاران نفر از مردمی که در گروههای مختلف تلگرامی جمع هستند، تبدیل شد و مورد حمایت قرار گرفت.

اتفاق مهم دیگر در این هفته تجمع بازنشستگان در مقابل سازمان برنامه و بودجه در ۲۴ مهرماه بود. بازنشستگان در این روز ایستادند و با شعارهایی چون معیشت منزلت سلامت، بیمه کارآمد، معلم زندانی آزاد باید گردد، تحصیل رایگان حق مسلم فرزندان ماست، خط فقر ۶ میلیون حقوق ما ۲ میلیون، اگر که ما نبودیم، تو اون بالا نبود، سوریه رو رها کن فکری به حال ما کن، دشمن ما همین جاست، دست در دست آمریکاست، کل بساط توحش و بردگی سرمایه داری حاکم را به چالش کشیدند.

رویداد این اتفاقات در پی یکدیگر و در فضای پر تلاطم جامعه حاکی از اینست که امروز جامعه دارد با خواستهای رادیکال و چپ و انسانی خود، در صفی هر روز سازمانیافته تر بسوی اعتصابات سراسری و اعتصابات عمومی برای به زیر کشیدن حکومت سرمایه داران مفتخور حاکم و کل سیستم چپاول سرمایه داری گام بر میدارد و این شورانگیز است. در دل این تحولات است که رهبران کارگری نیز با پرچم ایجاد شوراهای مستقل کارگری به میدان آمده و از عمل مستقیم کارگران برای رها کردن خود از این بربریت سخن میگویند. این اوضاع را باید دید و سکوی پرشی برای رفتن به جلو قرار داد. این اوضاع را باید دید و با ایجاد شوراهای سراسری سازماندهی اعتراضات در تمام شهرها و شوراهای هماهنگی اعتصابات در تمام مراکز کاری و با شعارهای رادیکال و انسانی که در اعتراضات معلمان و بازنشستگان در همین هفته طنین انداز شد، بسوی اعتصابات سراسری و اعتصابات عمومی در سطح جامعه گام برداشت. این اوضاع را باید دید و با تمام قدرت به میدان آمد و به این بساط جهنمی حکومت اسلامی پایان داد. خلاصه کلام اینکه سیر اتفاقات انقلابی انسانی را در چشم اندازی کاملا قابل دسترس قرار داده است. باید بسوی شفافیت و سازمانش داد. زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه انسانی! *

مرکز تعقیب و پیگرد سران جمهوری اسلامی

برگرفته از صفحه فیسبوک مینا احدی

تاریخ را باید منصفانه و دقیق نوشت!

مینا احدی

نامه سرگشاده به شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران
روز یکشنبه ۱۵ مهر برابر با ۷ اکتبر ۲۰۱۸، شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران، به مناسبت ده اکتبرروز جهانی علیه اعدام بیانیه ای منتشر کرد با عنوان "اعدام يك قتل عمد دولتی است، نه به اعدام!"

در این بیانیه که به درست، گستردگی اعدامها در ایران و جایگاه اعدام در ۴۰ سال گذشته برای جمهوری اسلامی بررسی شده است، امضا کنندگان ضمن محکوم کردن اعدام در ایران و در دنیا خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی تمام زندانیان سیاسی شده و از همه جوامع حقوق بشری و نهادهای بین المللی خواسته اند حکومت اسلامی را محکوم کنند.

برای من که سه مورد از این اعلامیه های مشترک از جانب این دوستان را بخاطر دارم، جای خوشحالی فراوانی بود که اولاً متحدانه این بیانیه را داده اند و ثانیاً کاملاً محکم بر علیه اعدام در ایران و در دنیا حرف زده و حتی تیتیر بیانیه خود را چنین انتخاب کرده اند: اعدام يك قتل عمد دولتی است. همه میدانند که این جمله طلایی از منصورحکمت، کمونیست برجسته و یکی از مبارزین موثر علیه اعدام در ایران بود که امروز خوشبختانه در خیابانهای ایران بر در و دیوار این شعار نوشته میشود و در بیانیه های احزاب و سازمانهای علیه اعدام درج میشود.

این يك پیشرفت غیر قابل انکار در جنبش علیه اعدام در ایران و در دنیا است که تعداد هر چه بیشتری اعدام را نه يك اقدام اجباری دولتها برای مقابله با

جرائم و یا اقدامی از سر ناچاری، بلکه يك سیاست موثر از سوی دولتها برای سرکوب بیشتر مردم و يك سیاست مبتنی بر قتل عمد از سوی دولتها با توجیحات مختلف از جمله حفظ امنیت جامعه و یا مقابله با جرائم نام می نهند.

در جریان کمپین نجات ریحانه جباری و یا قبلتر در جریان کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی و بار آخر در کمپین نجات رامین حسین پناهی نیز شاهد انتشار چنین اطلاعیه هایی بودیم. این دوستان در جریان این کمپین ها به درست با انتشار اطلاعیه های دسته جمعی از کمپین ها دفاع کرده و در کنار فعالین علیه اعدام و سنگسار به تداوم این اعتراضات رنگ و جلای بهتر بخشیدند.

نکته ای که مرا واداربه نوشتن این مطلب کرد اینست که دوستان در اطلاعیه خود نوشته اند:

"در سالهای اخیر نیز گروه های مختلفی در ایران و خارج از کشور برای حذف کامل قانون مجازات اعدام فعالیت می کنند که می توان از مادران پارك لاله ایران و حامیان حرکت های دادخواهانه در کشورهای مختلف به عنوان فعال ترین این گروه ها نام برد که از سال ۱۳۸۸ شروع به فعالیت کرده اند و پیگیرانه علیه لغو مجازات اعدام در ایران و در اعتراض به احکام اعدام فعالان سیاسی و اجتماعی تلاش می کنند و یکی از سه خواسته اصلی شان لغو مجازات اعدام است. کمپین «لگام» برای لغو گام به گام اعدام در ایران نیز در آذرماه ۱۳۹۲ شروع به کار کرده است." "حرکتهای دادخواهانه در کشورهای مختلف" اسم کدام سازمانها است؟ شاید دوستان نمیتوانند اسم کمیته بین المللی

علیه اعدام و یا حزب کمونیست کارگری ایران را بیاورند و این لفظ را جایگزین کرده اند. اگر این پاراگراف را به هر کسی که در ایران و یا در دنیا شاهد و ناظر منصف و بیطرف این اعتراضات باشد نشان دهید، احتمالاً کمک خواهد کرد این متن را تصحیح کنید.

مروری بر کمپین های جهانی همچون کمپین نجات کبری رحمانپور، شهلا جاهد، سکینه محمدی آشتیانی، احسان فتاحیان، سامان نسیم، زانیار و لقمان مرادی، ماکوان مولودی و کمپین نجات ریحانه جباری و آخرین نمونه کمپین نجات رامین حسین پناهی، نشان میدهد که نمیتوان از جنبش علیه اعدام صحبت کرد و از کمیته بین المللی علیه اعدام اسم نبرد. دوستان!

از بی بی سی و رادیو فردا و دوویچه وله و صدای آمریکا و سایر رسانه های نماینده سیاستهای رسمی دولتها که مدام فعالیتهای نیروهای چپ و انقلابی را نادیده میگیرند انتظاری نمیتوان داشت ولی شما چرا؟ امروز که حکومت اسلامی در سرازیری کامل است و جنبش علیه اعدام در بهترین و قویترین موقعیت است، شایسته است وقتی در مورد فعالترین ها و موثرترین ها حرف میزنید بیطرفانه و منصفانه واقعیت ها را بگویید.

از نظر من جنبش علیه اعدام در ایران يك جنبش عمومی است، جنبشی که از دهه قبل، با اشکال و روشهای بهتر و با آگاهگری و فرهنگ سازی به پیش رفته و همه مردم در ایران، خانواده ها و وکلا و فعالین مدافع حقوق انسان، کارگران، دانشجویان، مدافعین حقوق انسانی همه و همه در آن درگیر

مرکز تعقیب و پیگرد سران جمهوری اسلامی پیامی به شما که از من خواهان پیگیری موضوع فرار قالیباف از ایران و مخفی شدن او در آلمان شده اید!

باید فکر تشکیل يك مرکز تعقیب سران حکومت اسلامی در خارج کشور باشیم!

در ابتدا میخواهم از دهها و دهها نفری که در چند روز گذشته بمن پیام داده و از من خواسته اند که برای دستگیری و یا اعلام جرم علیه قالیباف کاری بکنم و یا کاری بکنم، تشکر میکنم. این نهایت اعتماد شما به کارهای ما در همین زمینه است.

خبر فرار قالیباف را برخی سایتها و از جمله آمد نیوز مطرح کرد و در آلمان نیز این خبر وسیعاً منتشر شد و از دهها کانال این خبر برای من ارسال شد با این توضیح که کاری بکنید!

من برای پیگیری صحت و سقم این خبر با دوستانی که در کمپین دستگیری شاهرودی فعال بودند تماس گرفتم و اکنون ما از وزارت کشور آلمان خواسته ایم که موضوع آمدن این فرد به آلمان را برای ما روشن کنند.

هستند و بی دلیل نیست که بیشترین بخش محکومین به اعدام در چند سال اخیر اتفاق افتاده و یا بزرگترین کمپین ها بر علیه اعدام که در دنیا هم توجه میلیونی بخود جلب کرده است، در چند سال اخیر بوده است. فعالیت همه فعالین و نهادهای درگیر در این جنبش وسیع اجتماعی ارزشمند است و باید در سطح هر چه وسیعتری مطرح شود و برسمیت شناخته بشود.

البته جمهوری اسلامی ایران با انتشار عکسهایی از قالیباف در روز پنجشنبه هفته گذشته ۲۰ مهر ماه گفت که خبر فرار این عنصر جنایتکار و اختلاس گر را تکذیب میکند و عکسهایی از قالیباف را نیز منتشر کرد. ولی برای پیگیری این ماجرا ما کماکان در حال تحقیق از نهادهای رسمی در کشور آلمان هستیم و به محض روشن شدن اخبار شما را در جریان خواهیم گذاشت و بنظر من کلاً باید ما ایرانیان در آلمان از این پس مترصد و مراقب فرار این افراد و دست اندرکاران حکومت اسلامی به آلمان و یا اروپا و کانادا و ... باشیم و از هم اکنون در مورد يك پروسه اعلام جرم و تحت فشار گذاشتن نهادهای دولتی و یا سازمانهای ذیربط برای محکومیت و یا دستگیری این افراد باید باهم مشورت و همفکری کنیم و خود را بیش از پیش برای این پروسه آماده کنیم.

بزودی در تلگرام و اینستاگرام در مورد حکم دادستان آلمان در پاسخ به اعلام جرم سازمانها و همچنین افراد حقیقی و حقوقی زیادی بر علیه شاهرودی که اخیراً به دستمان رسیده است، جلسه ای خواهیم گذاشت. مینا احدی

کمیته بین المللی علیه اعدام فعالیت همه فعالین و مبارزان علیه اعدام را ارج مینهد و از آن استقبال میکند. امیدوارم دوستان شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران نیز همین شیوه را در پیش بگیرند.

مینا احدی

۱۷ اکتبر ۲۰۱۸

لینک مطلب

<http://www.asfrenou.net/php/view.php?objnr=43379>

**نشریه انترناسیونال را به دوستان و
آشنایانتان معرفی کنید!**

جایگاه دو اعتصاب مهم در فضای سیاسی ایران

اصغر کریمی

اعتصاب سراسری سیاسی در کردستان در روز ۲۱ شهریور که بخش قابل توجهی از استان کرمانشاه را نیز در بر گرفت و اعتصاب سراسری کامیونداران که دور سوم آن از اول مهر شروع شده است را باید بعنوان دو واقعه مهم سیاسی بشمار آورد که هم نشانه بارزی از فضای سیاسی پر تحول جامعه است و هم سرمنشاء تغییرات بزرگی خواهد بود.

اعتصاب در استان های کردستان و کرمانشاه در پاسخ به اعدام سه جوان زندانی بود. همزمان با این اعدام ها جمهوری اسلامی مقر در حزب اپوزیسیون در خاک عراق را موشک باران کرد تا با ارباب مردم، مانع اعتراض وسیع و توده ای شود. اما به فراخوان احزاب سیاسی اعتصاب یکپارچه ای صورت گرفت و توطئه جمهوری اسلامی را نقش بر آب کرد. اعتصاب رانندگان کامیون نیز در مقطعی شروع شد که در اهواز به رژه نیروهای نظامی حکومت حمله شد که اگر فضای مبارزاتی بالایی در جامعه نبود رژیم فرصت می یافت از آن برای ارباب جامعه و بویژه عقب راندن کارگران و مردم معترض در شهرهای خوزستان استفاده کند و برای مدتی فضای مبارزاتی را عقب میراند. اما فراخوان رانندگان که از قبل داده شده بود بسرعت، و بدون توجه به خیالاتی که رژیم در سر دارد، یک روز پس از حمله به رژه حکومت، در سراسر کشور و از جمله در شهرهای خوزستان عملی شد و اعتصاب بزرگی سازمان داده شد.

این دو اعتصاب قبل از هرچیز نشاندهنده تغییراتی اساسی است که در توازن قوا میان مردم و حکومت ایجاد شده است. نشاندهنده تضعیف

حکومت و برتری مردم در جدالی است که در سراسر جامعه جریان دارد. و به سهم خود بر فضای سیاسی جامعه و اعتراضات مردم تاثیر قابل توجهی خواهد گذاشت و تا همینجا تاثیر گذاشته است. این دو اعتصاب به مردم اعتماد بنفس بیشتری داد که دوره تاخت و تاز حکومت تمام شده است و علیرغم سبعتی که دارد و علیرغم دستگیری ها و سرکوب ها مردم کوتاه نمیایند.

۱۵۰ راننده کامیون را گرفته اند اما رانندگان بر اتحاد و اعتصابشان تاکید بیشتری گذاشته اند، گام های بزرگی به جلو برداشته اند از جمله فراخوان به تشکیل صندوق اعتصاب و جامعه همبستگی اش را با آنها بیشتر کرده است. مردم رسوایی حکومت و دست های خالی ارگان ها و مقاماتش را میبینند و بیشتر به توانایی ها و قدرت خود پی میبرند. درمورد این دو اعتصاب نکات زیادی میتوان گفت از نقش احزاب سیاسی اپوزیسیون در کردستان، فضای مدرن و روحیات پیشروی که در اعتصاب رانندگان کامیون دیده میشود، استفاده موثر و سازمانیافته از مدیای اجتماعی برای ایجاد هماهنگی و حفظ اتحاد و خنثی کردن توطئه های حکومت، تاکتیک های جالب و اشکال متنوع سازماندهی، فضای چپ جامعه و اینکه چطور هر مبارزه قدرتمندی بویژه اگر ادامه دار باشد ظرفی عمومی برای تقویت همبستگی عمومی مردم. در عین حال روشن تر شدن فاصله عمیق مردم با جریانات راست. تک تک این نکات بسیار حائز اهمیت است و درمورد هر کدام میتوان مفصل بحث کرد. اما اینجا میخواهم فقط بر یک نکته کلیدی تاکید کنم.

این دو اعتصاب زمینه

اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی را بسیار تقویت کرد. بخش های بیشتری از مردم را متوجه کرد که اعتصاب عمومی دور از دسترس نیست. در واقع پیام این دو اعتصاب به کل جامعه این بود که وقت اعتصاب عمومی در سراسر کشور دارد فرا میرسد و باید آماده شد.

روشن است که اعتصاب عمومی نیاز به زمینه های اقتصادی و سیاسی دارد. آیا در حال حاضر این زمینه ها فراهم است؟ بنظر من کاملا فراهم است. اقتصاد بحران زده ای که اکثریت مردم را به فقر مطلق رانده، میلیون ها بیکار، ورشکستگی مراکز تولید و بیکارسازی های میلیونی در آینده نزدیک، گرانی بی سابقه کالاها، حدود ۲۰ میلیون حاشیه نشین فاقد کوچکترین امکانات زندگی، و حکومتی که از فاسدترین حکومت های جهان است، حکومتی منزوی در میان مردم و در سطح بین المللی، عقب رانده شدن حکومت در منطقه و نرمش های قهرمانانه که پوشالی بودن اقتدار حکومت را حتی در میان نیروهای سرکوبش عیان کرده است، و همه اینها بر متن جامعه ای معترض و پر تحرك، اینها فاکتورهای مهم و در عین حال ادامه دار و قابل اتکایی است که زمینه را برای خیزش های عظیم مردمی فراهم کرده است. فاکتورهایی که اشاره کردم رژیم را در موقعیتی قرار داده که توان پاسخگویی به کوچکترین خواست های مردم را ندارد تا بتواند بخشی از مردم را حتی شش ماه راضی نگهدارد. خود مقامات هم کتمان نمیکنند که امکان پاسخگویی به مطالبات ساده مردم را ندارند. حقوق های عقب افتاده بیشتر میشود، بیکاری با سرعت

بیشتری افزایش می یابد، کالاها فوق العاده گرانتر میشود، رژیم حتی توان پرداخت حقوق نیروهای سرکوب را در آینده ای نزدیک نخواهد داشت و در چنین شرایطی هم توان سرکوب آن پایین میاید و هم مردم کمتر مرعوب میشوند. جریان اصلاح طلبی نیز از مقطع دیماه حاشیه ای شده و دیگر فاقد نفوذی برای مقابله با جنبش سرنگونی طلبانه است. خیزش دیماه در متن چنین شرایطی اتفاق افتاد. و نه ماه گذشته همه عوامل فوق بطور قابل توجهی تشدید شده است. اینها همه زمینه های عینی و مبارزاتی خیزش های عظیم و سراسری و از جمله اعتصابات سراسری و اعتصاب عمومی است.

اعتصاب عمومی در یک جامعه ممکن است حتی بدون این مجموعه عوامل و تنها بخاطر یک تصمیم حکومت علیه مردم صورت گیرد اما در چنین شرایطی نیاز به تشکل های سراسری کارگری و توده ای است که در ایران فاقد آن هستیم. اما اعتصاب عمومی در جوامعی مانند ایران و در شرایط یک تحول انقلابی نیز کاملا زمینه پیدا میکند. سال ۵۷ اعتصابات کارگری در عرض مدت کوتاهی و بدون هیچ نوع تشکل کارگری یا توده ای به اعتصابات سراسری و عمومی فراروید. جو عمومی جامعه، رشد ناراضیاتی و اعتراض، ریختن ترس مردم و بحران اقتصادی و سیاسی لاعلاج حکومت اینها فاکتورهایی است که اعتصاب عمومی و سراسری را امکانپذیر میکنند. اما اگر در سال ۵۷ اعتصاب عمومی در کوران انقلاب شکل گرفت، با توجه به تفاوت های عمیق و همه

جانبه ایران امروز با سال ۵۷، امکان اعتصاب عمومی در شرایط کنونی کاملا امکانپذیر است. قبل از شروع انقلاب ۵۷ یک اعتصاب ساده نیز به سادگی امکانپذیر نبود در حالیکه اکنون با سالی چند هزار اعتصاب و تجمع مواجهیم، تشکل های توده ای نیز بدرجاتی در میان بخش هایی از جامعه با استفاده از مدیای اجتماعی شکل گرفته است یا در واقع مدیای اجتماعی امکان تصمیم گیری سراسری را برای بخشهایی از طبقه کارگر مانند معلمان و بازنشستگان، رانندگان، کارگران مخابرات و راه آهن، نفت آب و برق و آتش نشانی و غیره فراهم کرده است. رسانه های اپوزیسیون سرنگونی طلب را نیز نباید دست کم گرفت.

قدرت آنها را در اعتصاب عمومی کردستان در روز ۲۱ شهریور شاهد بودیم. در سطح سراسری نیز نقش احزاب سرنگونی طلبی مانند حزب کمونیست کارگری و رسانه های آنها فاکتوری غیر قابل صرفنظر کردن است.

در متن چنین شرایطی است که این دو اعتصاب بزرگ و توده ای عامل مهمی در جهت دامن زدن به اعتصابات سراسری بخش های مختلف کارگران و اعتصاب عمومی است. اعتصاب در کردستان یک روزه بود و پایان یافت اما تاثیرات عمیقی در سراسر کشور و بویژه در استان های کردستان و کرمانشاه باقی گذاشت. اعتصاب رانندگان اما در جریان است و از هر نظر قابل پشتیبانی فعال همه مردم است. هم برای به پیروزی رساندن این اعتصاب معین و هم بدلیل تاثیرات عمیقی که در کل جامعه خواهد داشت.



جواب مردم کردستان علیه کشتن کولبران تداوم مبارزه و اعتصابات است!

نسان نودینیان

در مرزهای مشترک ایران با کشورهای همسایه بویژه در مرز ایران و عراق صدها کولبر کشته و زخمی شده اند. هر هفته و یا هر روز ما شاهد شنیدن خبر تلخ کشته و زخمی شدن کولبران هستیم. اخیراً حسین ذولفقاری معاون امنیتی - اجتماعی وزارت کشور جمهوری اسلامی در حاشیه نشست خبری ستاد اربعین، کولبران را قاچاقچی خطاب کرد و حکم تیر آنان را رسماً صادر کرد. او در این باره چنین گفت:

"کوله‌برهایی که از مرز غیرمجاز عبور می‌کنند نامشان کولبر نیست، قاچاق است و حتی اگر قاچاق هم نکنند ترده آن‌ها غیرقانونی است و وارد حیطه مرزی شدند. در مناطق مرزی هیچ مماشاتی نداریم اگر کسی وارد خط مرزی شود، اول به او اخطار می‌شود و اگر ایست نکند به وی تیراندازی خواهد شد."

آنچه که عیان است چه حاجت به بیان است! قتل عام مردم، کولبر یا فعال سیاسی، کارگر معترض، زنان آزادیخواه شغل جنایتکارانه حکومت اسلامی در ۴ دهه گذشته بوده است. صحبت‌های معاون امنیتی - اجتماعی دولت دوازدهم

(روحانی) تازه نیست. سران ریز و درشت حکومت اسلامی هرکدامشان يك قاتل هستند، به فرمان و با احکام قضایی اسلامی اینها ده ها هزار نفر کشته شده اند. حکومت اسلامی بزرگترین جنایتکار تاریخ معاصر است.

در چند سال گذشته حکومت اسلامی دست به جنایتی بزرگ در ادامه کشتارهای دهه ۶۰ و ۷۰ زده است. صدها نفر از کارگران مرزی کولبر را کشته یا زخمی و معلول کرده است.

کارگران کولبر لشکر میلیونی کارگران بیکار هستند. بیکاری میلیونی یکی از چالشهای بزرگ دولت روحانی است. در دو دوره دولت روحانی بیکاری میلیونی در سطح سراسری مهمترین چالش اصلی بوده است. دولت روحانی با شعار اشتغال‌زدایی و کار آمد، اما ناتوان تر از دولت‌های قبلی بر میزان بیکاری افزوده شد. فقر و پایین بودن درآمدها دامنه عواقب بیکاری را بیشتر و عمیقتر کرد. نداشتن بیمه بیکاری، بالا بودن نرخ خرید سبد معیشت روزانه، ناامنی دارویی و پزشکی و بالا بودن نرخ اجاره

مسکن و ده ها مساله و مشکل مالی و اقتصادی فقر و نداری را در عمیق‌ترین شکل به کارگران و جوانان بیکار و مزدبگیران تحمیل کرده است. در بطن این شرایط نا امن معیشتی و اقتصادی روی آوری به دست فروشی و کولبری در چند سال گذشته بیشتر و بیشتر شده است. بیکاری هزاران نفر از کارگران و جوانان چالش اصلی در کردستان است. بیکاری در شهرهای کردستان بیداد میکند. اکثریت بالایی از جوانان تحصیلکرده فاقد موقعیت شغلی هستند و به جمعیت کارگران اخراج شده و بیکار افزوده میشوند.

در شهرهای کردستان اعتراض و مبارزه علیه بیکاری دائماً وجود داشته است. در ۲۶ فروردین ماه امسال اعتصابات سراسری در شهرهای بانه، جوانرود، سقز، سردشت، پیرانشهر و مریوان علیه بستن مرزها شروع شد. اعتصاب در ۲۶ فروردین از بانه شروع شد، اما در اثر ناراضی‌تبی توده ای مردم علیه فقر و بیکاری سرعت به سایر شهرهای کردستان کشیده شد و به اعتصاب عمومی همراه با راهپیمایی و اقدام سمبلیک

نمایش سفره های خالی در خیابان ها در چندین شهر کردستان تبدیل شد. مردم علیه فقر و بیکاری و ستم و سرکوب به میدان آمدند. کارگران و جوانان بیکار به مبارزه ای خیابانی و علنی علیه بیکاری و نداشتن فرصت های شغلی، دست به اعتراض زدند.

اقدامات بزرگ اعتراضی علیه حکومت توحش در ۲۱ شهریور اعتصاب عمومی مردم کردستان علیه اعدام و وحشیگری جمهوری اسلامی و ۲۲ و ۲۳ مهر اعتصاب معلمان در ده ها مدرسه و نواحی مختلف را ما تجربه کرده ایم.

فضای اعتراضی در سطح سراسری در اشکال اعتصابات عمومی، راه پیمایی و اعتراضات شهری ادامه دارد. شهرها با التهاب بالایی در گرمای اعتراض به فقر و بیکاری قرار گرفته اند. میلیونها کارگر و مزدبگیر انتخاب خود را کرده اند، مبارزه تا سرنگونی حکومت اسلامی!

در شهرهای کردستان کارگران و جوانان کولبر بشکل دسته جمعی علیه بیکاری و فقر بیدان آمده اند.

کارگران و جوانان بیکار دسته جمعی با مارش و برگزاری راه پیمایی و پهن کردن سفره های حالی بیدان آمده اند. آنها علیه بیکاری و فقر دست به اعتراض میزنند و اعلام کرده ند "سفره خالی ما نان میخوهد"، و

خواست بیمه بیکاری و امنیت معیشتی را فریاد میزنند!

اعتصابات سراسری در شهرهای کردستان، تجمع های رادیکال و اعتراضات معلمان، اعتصابات راننده ها و کامیونداران در شهرهای کردستان ادامه خیزش انقلابی مردم در سراسر کشور و نشانه قدرت و آمادگی مردم برای مبارزه علیه فقر و بیکاری و برای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی میدانند که اعتصابات عمومی و اعتراضات سراسری قدرتمندتری در سطح کشور در راه است و اعتصاب و اعتراض در شهرهای کردستان میتواند مانند جرقه ای برای خیزش عظیم مردم در سراسر کشور عمل کند.

جواب مردم کردستان علیه کشتن کولبران تداوم مبارزه و اعتصابات است. اعتراضات جاری در کردستان جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است اما مردم همانطور که اعلام کرده اند زبان تهدید حکومت را نمیپذیرند. مردم سفره خالی و فقر را نمیپذیرند! بیکاری و ستم و تبعیض را نمیپذیرند! صدها هزار نفر در کردستان بیکارند و خواهان بیمه بیکاری و تامین معیشت هستند. مردم رفاه و زندگی میخواهند و قصد کوتاه آمدن ندارند.

۲۳ مهر ۱۳۹۷

۱۵ اکتبر ۲۰۱۸

ایسکرا ۹۵۸

گزارش تجمع اعتراضی در حمایت از اعتصابات رانندگان کامیون و معلمان در شهر هانوفر آلمان



روز شنبه ۱۳ اکتبر ۲۰۱۸ به فراخوان واحد هانوفر حزب کمونیست کارگری ایران در حمایت از اعتصابات رانندگان کامیون و معلمان تجمع اعتراضی در مرکز شهر هانوفر برگزار گردید. در این برنامه فعالین حزب با برپایی میز اطلاع رسانی و جمع آوری امضا خواستار حمایت از این اعتصابات و محکوم کردن جمهوری اسلامی به خاطر دستگیری رانندگان معترض شدند. در این برنامه ناصر کشکولی در باره اعتصابات جاری و وضعیت ایران به زبان آلمانی و فارسی سخنرانی کرده و خواستار حمایت از مبارزات جاری کارگران و معلمان و رانندگان کامیون شد.

اعتصاب سراسری و شکوهمند رانندگان کامیون پایان یافت!

اعتصاب سراسری رانندگان کامیون ادامه دارد



امروز ۲۲ مهر اعتصاب شکوهمند رانندگان کامیون بعد از ۲۱ روز خاتمه یافت. تشکلهای کامیونداران و رانندگان ناوگان حمل و نقل جاده ای طی بیانیه ای در ۲۱ مهر اعلام کردند که به دلیل اینکه سه خواست آنها از جانب مقامات پذیرفته شده است به اعتصاب خود موقتا خاتمه میدهند و تاکید دارند که تمام خواستههای آنها باید عملی شود. اعتصاب رانندگان کامیونداران ۳۲۰ شهر را در بر گرفت و هزاران نفر از آنها را در اقدامی مشترک و سازمان یافته کنار هم قرار داد. این اعتصاب در فضای سیاسی جامعه تاثیر بسیار محسوسی گذاشته و حس همبستگی و هم سرنوشتی و امید به آینده را در میان بخشهای مختلف مردم افزایش داده است. اعتصاب رانندگان اولین تاثیرش این بود که برای اول بار توجه مردم را به شرایط ناهنجار زندگی رانندگان کامیون جلب کرد و همگان دیدند که این بخش از کارگران نیز همان مشکلات و مسائل و خواستههایی را دارند که کل کارگران با آنها دست و پنجه نرم میکنند. اعتصاب ۲۱ روزه رانندگان در کنار اعتصاب عمومی در کردستان و اعتصاب بازاریان، در عین حال ابزار اعتصاب سراسری بعنوان يك شیوه مهم و موثر و متحد کننده اعتراض و مبارزه در برابر حکومت و مفتخوران حاکم را مورد تاکید قرار داد. حمایت تشکلهای کارگری در ایران و در سطح جهان از اعتصاب رانندگان و همچنین حمایت رانندگان کامیون در کشورهای مختلف از اعتصاب

رانندگان کامیون نیز يك دستاورد مهم این اعتصاب بود. با اتکا به دستاوردهای مهم این اعتصاب رانندگان اتحاد خود را ارج میگذارند و خواستههای خود را دنبال میکنند و خود را برای پیگیری خواستههایشان آماده میکنند. در بیانیه رانندگان کامیون و کامیونداران اعلام شده است که وعده عملی شدن سه خواست آنها توسط دست اندرکاران حکومت داده شده است که عبارتند از تغییر نرخ کرایه به تن بر کیلومتر، تغییر مسیر و شیوه حمل فرآوردهای نفتی ترانزیتی و برنامه جامع نوسازی و تامین ناوگان زمینی با ارائه پیشنهادهاى بخش جامعه. رانندگان در حالی به اعتصاب موقتا خاتمه میدهند که بسیاری از خواستههای آنها هنوز عملی نشده است و تاکید دارند که همه این خواستها باید عملی شود. رانندگان به فساد و چپاول در سیستم حمل و نقل، عوارض سنگین اتوبانها، قیمتهای سرسام آور قطعات یدکی، رشوه خواری ماموران راهنمایی و رانندگی، تعیین کمیسیونهای کمر شکن توسط شرکتهای حمل و نقل، اختلاس و یکه تازی پایانه های حمل و نقل و رشوه گیری و زیر میزی و یکه تازی دلان و واسطه ها اعتراض دارند. کل سیستم فاسد موجود باعث شده است که رانندگان علیرغم کار سخت و زیان آور از درآمدی بسیار پایین و زیر خط فقر در شرایط گرانی فزاینده برخوردار شوند.

رژیم اسلامی در هراس از سربلند کردن اعتصابات سراسری در سطح جامعه، ۲۵۶ نفر از رانندگان

اعتصابی را بازداشت کرده است. رانندگان خواستار آزادی فوری همه دستگیر شدگان هستند. کارزار جهانی برای آزادی رانندگان اعتصابی، نقش کلیدی برای متحقق کردن عملی نه فقط سه خواستی که از سوی حکومتیان وعده اجرایش داده شده است، بلکه تمامی خواستههای هفده گانه آنهاست. رانندگان کامیون بدنبال دور اخیر اعتصاب قهرتمندشان، اکنون در موقعیت بسیار قویتری برای پیشبرد خواستههایشان و در راس آنها آزادی فوری همکاران بازداشتی خود قرار دارند. تحکیم شوراهای هماهنگی اعتصاب این کارگران و تشکلهای شکل گرفته آنان در جریان این اعتراضات، تداوم کار صندوق همبستگی اعتصاب رانندگان کامیون که فراخوان به تشکیل آن در شهرهای مختلف داده اند، تضمین مهمی برای آمادگی برای دور آتی اعتراضات و گسترش و موفقیت آن خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری به همه رانندگان اعتصابی درود میفرستد و مبارزه و تلاش و کارزار برای آزادی همه دستگیر شدگان را مورد تاکید قرار میدهد. حزب کمپینی جهانی را علیه جمهوری اسلامی برای آزادی فوری و بی قید و شرط دستگیر شدگان در دستور قرار میدهد و با تمام قوا برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی تلاش میکند.

زنده باد رانندگان معترض و
حق طلب!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ مهر ۱۳۹۷، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۸

امروز ۲۱ مهرماه اعتصاب رانندگان کامیون همچنان با قدرت ادامه دارد. این اعتصاب از روز اول مهر ماه آغاز شده و رانندگان اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواستههایشان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. در این روز همچون روزهای دیگر در برخی از شهرها تجمع کردند. رانندگان کامیون با برپایی تجمعات اعتراضی خود پیگیری خواستههایشان میشوند و با این کار مردم را از ادامه اعتصاب خود مطلع نگاه میدارند. از جمله امروز رانندگان کامیون در زین شهر در مقابل فرمانداری تجمع داشتند.

طی بیست و یک روز اعتصاب رانندگان کامیون و کامیونداران ۲۵۶ نفر از آنان دستگیر شده اند. محسن کرمی، سرپرست دادستانی قزوین در شانزدهم مهر ماه با اعلام خبر ارسال پرونده ۱۷ راننده بازداشتی در این شهر به دادگاه گفت: "پس از ارسال پرونده این افراد به دادگاه ما اشد مجازات را برای آن ها تقاضا داریم و اگر محاربه آنان محرز شود احکام سنگینی همچون اعدام در انتظار ایشان خواهد بود."

این سخنان با عکس العمل اعتراضی شدیدی در میان رانندگان اعتصابی روبرو شده است. اکنون يك کارزار مهم رانندگان کامیون آزادی فوری همکاران بازداشتی آنان است. رانندگان کامیون با تاکید بر ادامه اعتصاب خود در مقابل این تهدیدات ایستاده اند و اعتصاب آنان در بیش از ۳۲۰ شهر ادامه دارد.

با انعکاس خبر مربوط به تهدید ۱۷ راننده اعتصابی بازداشتی در قزوین، فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (آی تی اف) طی بیانیه ای در ۲۰ مهرماه با شدیدترین عبارات به تقاضای مجازات اعدام برای هفده راننده اعتصابی قزوین اعتراض کرده است. "استیون کاتن" دبیرکل

فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل خواستار مداخله سازمان بین المللی کار "آی ال او" در این مورد شده است. در بخشی از نامه فدراسیون بین المللی در اعتراض به این اظهارات جنایتکارانه چنین آمده است: "مجازات اعدام برای اعتصاب جدی ترین نقض حقوق کارگران و سیاستی بسیار غیر انسانی و غیر قابل تصور است. اعضای فدراسیون "شعبات آی تی اف" در سراسر جهان بطور اضطراری خواستار این هستند که مقامات حکومت اسلامی به خواستههای رانندگان کامیون پاسخ دهند. آی تی اف از سامان جهانی کار میخواید که از آنجا که ایران عضو این سازمان است، در این موضوع مداخله کنند.

اتحادیه رانندگان کامیون در دانمارک نیز طی بیانیه ای از اعتصاب و خواستههای رانندگان کامیون اعلام پشتیبانی کرده اند. قبلا هم اعتصاب رانندگان کامیون از سوی اتحادیه های رانندگان حمل و نقل در کانادا، آمریکا، هلند و استرالیا مورد پشتیبانی قرار گرفت.

پاسخ سیاستهای ضد انسانی حکومت ادامه اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، پیوستن بخش های دیگر جامعه به اعتصابات سراسری و اتحاد و همبستگی جهانی با رانندگان اعتصابی است. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزات رانندگان کامیون و کامیونداران حمایت میکند و کارزاری جهانی برای آزادی فوری رانندگان بازداشتی را در دستور خود دارد.

زنده باد رانندگان معترض و
حق طلب!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ مهر ۱۳۹۷، ۱۳ اکتبر ۲۰۱۸

تجمع بزرگ بازنشستگان در تهران برگزار شد

دو روز اعتصاب با شکوه سراسری معلمان در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر، یک اتفاق سیاسی مهم در سطح جامعه است. تجمع سراسری امروز نشانی دیگر از روند رو به جلوی جامعه بسوی اعتصابات و اعتراضات سراسری برای خلاص شدن از کل جهنم سرمایه داری حاکم است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ مهر ۱۳۹۷، ۱۶ اکتبر ۲۰۱۸

کشور برای استیفای حقوق تضییع شده همکاران بازنشسته خود اقدام خواهد کرد. فراخوان بازنشستگان به تجمع از سوی گروههای مختلف تلگرامی از بخش های مختلف جامعه مورد حمایت قرار گرفت و اتحادیه آزاد کارگران ایران در بیانیه ای در حمایت از اعتصاب دو روزه معلمان، پشتیبانی خود را از تجمع سراسری بازنشستگان و خواستههای آنان اعلام داشت. بازنشستگان بارها خواستههای بحث خود را اعلام کرده اند و پاسخی نگرفته اند. تجمع سراسری امروز بازنشستگان بدنبال

مقابل سازمان برنامه و بودجه با فراخوان گروههای مختلف بازنشستگان از جمله "پیشکوتان"، "اتحاد بازنشستگان" و "اتحاد سراسری بازنشستگان" برای پیگیری خواستههای شان برپا شد. "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان" نیز ضمن حمایت همه جانبه از این تجمع از تمامی معلمان در سراسر کشور دعوت به شرکت در این تجمع کرده و اعلام داشت که در صورت ادامه این بی عدالتی ها در حقوق بازنشستگان از تمام ظرفیت های خود با همراهی تمام فرهنگیان

این روز بازنشستگان با صدای رسا ساعتها شعار دادند و اعتراضشان را ابراز کردند. شعارها از جمله عبارت بود از "خط فقر ۶ میلیون، حقوق ما دو میلیون"، "معلم زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "اگر که ما نبودیم، تو اون بالا نبود"، "فریاد، فریاد، از اینهمه بیاد"، "معیشت است و درمان، نیاز فوری ما"، "درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید"، "دشمن ما همین جاست دست تو دست آمریکاست"، "سفره ما خالیه ظلم و ستم باقیه". با این شعارها بازنشستگان صدای اعتراضشان را به کل بساط تبعیض و نابرابری سیستم حاکم اعلام داشتند. بازنشستگان بعد از تجمع در مقابل "سازمان برنامه و بودجه" شروع به راهپیمایی کردند و شعار گویان بطرف مجلس حرکت کردند و با شعار درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید، خواستار همبستگی و حمایت از جانب همه مردم شده و در آخر تجمع خود را با فریاد "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم" پایان دادند. تجمع امروز بازنشستگان در

ساعت ده صبح امروز ۲۴ مهرماه بنا بر قرار از قبل اعلام شده، تجمع سراسری بازنشستگان شامل بازنشستگان کشوری، تامین اجتماعی و پرستاری و بهداشت روبروی سازمان برنامه و بودجه در تهران در مقابل سازمان برنامه و بودجه برگزار شد. در این تجمع بیش از هزار نفر به نمایندگی از کل بازنشستگان شرکت داشتند و از جمله تعدادی از بازنشستگان از استانهای مازندران، گیلان، خراسان، آذربایجان، اردبیل و استان فارس برای شرکت در تجمع به تهران آمده بودند.

در این حرکت اعتراضی بازنشستگان با دست نوشته هایی که در دست داشتند، خواستها و اعتراض خود را اعلام داشتند. در میان پلاکاردها و شعارهای بازنشستگان نوشته هایی در اعتراض به اختلاسها، تبعیض، محرومیت از درمان، اعتراض به زندگی زیر خط فقر قابل توجه بود. خواستههای تحصیل رایگان برای کودکان، آزادی فوری معلمان زندانی و درمان رایگان نیز در خواستههای بازنشستگان بسیار برجسته بود. در



سوسیالیسم را در ایران برقرار خواهیم کرد

زندان کشیدن، اینهمه تلاش برای یک زندگی انسانی حاصلش فقط رفتن جمهوری اسلامی باشد و بار دیگر اقلیتی صاحب مالکیت و امتیازات فراوان باشند و بر اکثریت حکومت کنند. نه دیگر قرار نیست اینطور باشد. نمیگذاریم اینطور بشود. نیروی انسانی کافی برای ساختن جامعه ای انسانی، جامعه ای برابر، جامعه ای که همه از رفاه برخوردار باشند، یک جامعه سوسیالیستی که امکانات تولیدی اش به همه بطور یکسان تعلق دارد، وجود دارد. اینرا تضمین می‌کنیم. جامعه ایران تشنه سوسیالیسم است.

جامعه ایران تشنه عدالت و برابری است. تشنه رفاه است تشنه رفع هر نوع تبعیض و هر نوع شکاف طبقاتی است. تشنه نظامی است که یک اقلیت مفتخور صاحب همه چیز نباشند، اکثریت کار کنند و این اقلیت پرور شود. یک مشت آقازاده و پورشه دار باشند و اکثریت از رفاه و تفریح و امکانات تحصیلی و مسکن مناسب بی بهره باشند. مردم اینرا در شعارهایشان فریاد میزنند، در افشاگری هایشان علیه مفتخوران حاکم میگویند و در بیانیه هایشان مینویسند. قرار نیست اینهمه اعتصاب و اعتراض، اینهمه قربانی دادن و

سخنرانی و گفت و شنود:

راست، چپ و آینده ایران

یکشنبه، ۲۸ اکتبر ۲۰۱۸
فرانکفورت (آلمان)



سخنرانان:

- خسرو آهنگر - سازمان راه کارگر
- رحمان حسین زاده - حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
- نصرت تیمورزاده - حزب کمونیست ایران
- حمید تقوایی - حزب کمونیست کارگری ایران

محل جلسه:

Ökohaus, Kasseler Strasse 1a, Westbahnhof
60486 FRANKFURT MAIN

شروع جلسه: ساعت ۳ بعد از ظهر

تلفن های تماس: شهرن مرتب +4917643633915 - فسان نودینیان +491714130061

پنج روز حضور فعالین حزب کمونیست کارگری در نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت



محمد شکوئی

هفتادمین نمایشگاه جهانی کتاب از روزهای ۱۰ تا ۱۴ اکتبر ۲۰۱۸ در فرانکفورت برگزار شد و بیش از ۲۷۰ هزار نفر از آن بازدید کردند. برای چندمین سال متوالی فعالین حزب کمونیست کارگری در این نمایشگاه حضور فعالی داشتند. حضور امسال حزب در نمایشگاه کتاب بر متن جدال و رویارویی حزب و جمهوری اسلامی در چندماه گذشته سازمان داده شد. از ماهها قبل از شروع نمایشگاه، وزارت ارشاد، سفارتخانه و دست اندکاران انتشاراتی حکومت، تقلاهای زیادی به خرج دادند تا جلوی اعتراض حزب به جمهوری اسلامی در نمایشگاه را بگیرند. به یورگن بوس رئیس نمایشگاه کتاب نامه نوشتند، و "شکایت" کردند که اگر حزب کمونیست کارگری در نمایشگاه مقابل غرفه جمهوری اسلامی به اعتراض بپردازد، احتمال دارد در نمایشگاه شرکت نکنند این تلاش ها در رسانه های وابسته به جمهوری اسلامی نیز منعکس شد. لازم به توضیح است که سالها است جمهوری اسلامی از اسم بردن

از حزب خودداری میکند و از لفظ منافق استفاده میکند تا این شائبه را ایجاد کند که منظورش مجاهدین خلق است. این سیاست را حکومت به رسانه های وابسته به خود ابلاغ کرده و چندین سال است که همگی از این سیاست پیروی میکنند.

این تقلاها اما نه تنها به جایی نرسید بلکه حزب امسال فعال تر و قدرتمندتر از سالهای قبل در نمایشگاه حضور داشت و جمهوری اسلامی را ناکام گذاشت. اگر کسی باید از نمایشگاه اخراج شود این حکومتی است که کوچکترین آزادی برای نویسندگان مستقل قائل نیست و چندین نویسنده را به قتل رسانده و بارها نویسندگان منتقد و معترض را به زندان انداخته است. حکومتی که دست می برد و چشم در میاورد نمونه ای از یک حکومت جنایتکار و تروریست است.

فعالیت حزب در نمایشگاه کتاب فرانکفورت شامل یک غرفه در داخل نمایشگاه و یک چادر اطلاع رسانی در مدخل ورودی نمایشگاه بود. هر سال آکسیون نیز علیه جمهوری اسلامی سازمان داده میشود. امسال علاوه بر این، ما

امکان یافتیم که بنلی حول موضوع "آنتیسم در کشورهای اسلامزده" برگزار کنیم که مینا احدی و احمد شروان سخنران آن بودند.

فعالین حزب با دایر کردن غرفه در داخل نمایشگاه که موضوع آن دختران خیابان انقلاب بود، پنج روز هر روز نزدیک به ۸ ساعت، با مردمی که به نمایشگاه می آمدند، درمورد مبارزات مردم، از اعتصابات سراسری و علیه سیاستهای جمهوری اسلامی در سرکوب اعتراضات مردم و ضرورت همبستگی بین المللی با مردم ایران صحبت کرده و ماهیت واقعی جمهوری اسلامی و مبارزات رو به گسترش و قدرتمند مردم را به مراجعہ کنندگان توضیح میدادند. در طول این پنج روز صدها نفر از غرفه دیدن کرده و با فعالین حزب در باره مسائل و موضوعات مرتبط با ایران و مبارزات مردم، به بحث و گفتگو پرداختند. نمایش عکسهای از مبارزات مردم، نمایشگاه عکس دختران انقلاب و نقش زنان در تحولات جاری در ایران از جمله کارهای متمرکز این دوره در غرفه بود. در بیرون سالن جلوی در ورودی

نمایشگاه، چادر اطلاع رسانی دایر شده بود. صدها نفر روزانه از این چادر دیدن کردند. صدها نسخه اطلاعیه و جزوات حزبی به زبانهای آلمانی، انگلیسی و فارسی در بین بازدید کنندگان توزیع شد. بازدید کنندگان با فعالین حزب پیرامون تحولات ایران به بحث و گفتگو پرداختند. در تمامی این پنج روز، میز اطلاع رسانی حزب محل پر جنب و جوشی از سوال، بحث درمورد ایران و علیه جمهوری اسلامی بود.

یکی از مباحث داغ این دوره درغرفه و در چادر اطلاع رسانی، مبارزات جاری مردم، اعتصابات رانندگان کامیونها و معلمان بود و تعداد زیادی از مراجعہ کنندگان قطعنامه حمایت از این مبارزات را امضا کردند.

در چهارمین روز نمایشگاه فعالین حزب یک راهپیمایی اعتراضی در محوطه نمایشگاه در حمایت از مبارزات رانندگان کامیون و معلمان برگزار کردند و با سر دادن شعارهایی در حمایت از این مبارزات و با حمل پلاکتهای افشاگرانه سیاستهای سرکوبگرانه حکومت را محکوم و توجه هزاران

نفر را به مبارزات مردم جلب کردند. معترضان خواستار اخراج رژیم از نمایشگاه و آزادی دستگیر شدگان اعتراضات جاری شدند. این راهپیمایی توجه مردم را وسیعاً به خود جلب کرد و چند رسانه و خبرگزاری از کشورهای مختلف از این راهپیمایی فیلم و خبر تهیه کردند و یا با فعالین حزب مصاحبه کردند. در پایان این تجمع نوید محمدی دبیر کمیته حزب در فرانکفورت طی یک سخنرانی به زبان آلمانی در مورد دلایل برگزاری این تجمع و ضرورت حمایت از مبارزات مردم سخنرانی کرد. در طول این پنج روز هزاران نفر شاهد حضور و فعالیت افشاگرانه حزب در نمایشگاه کتاب بودند و تصویر روشن تری از ایران، جامعه ای زنده و تشنه آزادی و پر از اعتراض علیه حکومت اعدام و زندان جمهوری اسلامی گرفتند.

جمهوری اسلامی در نمایشگاه کتاب فرانکفورت سرش به سنگ خورد

می اندازد و به قتل میرساند و دشمن هر نوع آزادی بیان و عقیده ای است جایش در نمایشگاه کتاب نیست.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان
۱۳ اکتبر ۲۰۱۸

توسط فعالین حزب برپا شد که مینا احدی سخنران آن بود.

جمهوری اسلامی باید از نمایشگاه کتاب و همه مجامع دولتی و غیر دولتی در کشورهای دیگر بیرون انداخته شود. حکومتی که زبان میبرد و اعدام میکند، حکومتی که نویسندگانش را به زندان

مبارزات مردم ایران، علیه جمهوری اسلامی افشاگری میکنند و فضا را برای مزدوران جمهوری اسلامی که هنوز در این نمایشگاه حضور پیدا میکنند، تنگ میکنند. این فشارها چنان موثر بوده که از چند ماه قبل جمهوری اسلامی با مسئولین نمایشگاه تماس گرفت و تلاش کرد که جلو حضور ما را بگیرد. این تلاش ها چندین مورد در رسانه های حکومت نیز منعکس شد. اما جمهوری اسلامی سرش به سنگ خورد و امسال

فعالین ما با دست پرتی در نمایشگاه حضور یافتند و علاوه بر غرفه و برپایی آکسیون، پانلی نیز

در این تجمع اعتراضی نوید محمدی به زبان آلمانی در باره اعتصابات رانندگان کامیون و معلمان سخنرانی کرد. چندین خبرنگار و رسانه از این برنامه فیلم و گزارش تهیه کردند و رسانه هایی با شهناز مرتب مصاحبه کردند.

حضور ما در نمایشگاه کتاب فرانکفورت صحنه جالبی از رویارویی با جمهوری اسلامی است. چند سال است در طی پنج روز نمایشگاه که محل بازدید صدها هزار نفر از کشورهای مختلف میباشد، فعالین حزب با برپایی غرفه ای با عکس و با جزوات و پوسترهای تبلیغی در حمایت از

روز شنبه ۱۳ اکتبر در ادامه سه روز فعالیت علیه جمهوری اسلامی در نمایشگاه جهانی کتاب در فرانکفورت، آکسیون اعتراضی در حمایت از اعتصابات کامیون رانان و اعتصاب سراسری معلمان در روزهای ۱۴ و ۱۵ اکتبر (۲۲ و ۲۳ مهر) در محوطه نمایشگاه کتاب برپا شد که مورد استقبال گرم قرار گرفت. تجمع کنندگان با در دست داشتن پوسترها و پلاکاردهایی در حمایت از اعتصابات جاری در ایران، در محوطه نمایشگاه راهپیمایی کردند که توجه بسیاری از بازدید کنندگان از نمایشگاه را بخود جلب کرد.



اعتصاب سراسری معلمان در دومین روز با گستردگی ادامه یافت

اگر به خواستهایمان نرسیم، آبانماه برمیگردیم

روز ۲۳ مهرماه معلمان در سراسر کشور دومین روز اعتصاب سراسری خود را برگزار کردند. بعد از اعتصاب مهم و ۲۱ روزه رانندگان کامیون اکنون شاهد اعتصاب معلمان هستیم که ابعاد بسیار وسیعی بخود گرفته است. در این روز معلمان بنا بر فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان علیه گرانی، تورم و کاهش بی سابقه قدرت خرید فرهنگیان از رفتن به کلاس های درس خودداری کردند و در دفاتر مدارس به تحصن نشستند و پلاکاردهایی را با طرح خواستهای اساسی شان بدست گرفتند. اعتصاب و تحصن معلمان در روز اول بیش از ۵۴ شهر را در بر گرفت. دومین روز این اعتصاب وسیع تر بود و اعتصاب و تحصن در شهرها و مناطق متعددی در استان های تهران، کردستان، فارس، کرمانشاه، خراسان شمالی، ایلام، همدان، اصفهان، آذربایجان شرقی، خوزستان و در برخی دیگر از استانها برگزار شد. اعتصاب معلمان يك اعتصاب اخطاری است و در بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان اعلام شده بود که اگر به خواستهایمان پاسخ داده نشود، آبانماه در اشکال گسترده تری به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

معلمان طی دو روز تحصن خود به شکل سراسری و سازمانیافته دست نوشته های زیادی در دست داشتند که روی آنها از جمله نوشته شده بود "تحصیل رایگان برای همه"، "آزادی معلمان زندانی"، "لغو مدارس خصوصی و کالایی شدن آموزش"، "افزایش حقوق ها به بالای خط فقر"، "درمان رایگان"، "حق تشکل و تجمع". شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان در بیانیه ای به مناسبت بازگشایی آغاز سال جدید بر خواست افزایش حقوق ها به بالای خط فقر ۶ میلیونی تاکید کرده بود و نسبت به پولی سازی آموزش، پایین بودن حقوق و دستمزد، گرانی و تورم، زندانی کردن معلمان، نقض حق تحصیل رایگان و عمومی،

ناامن بودن مدارس، کاهش قدرت خرید معلمان در کنار سایر اقشار جامعه، تبعیض در نظام آموزشی و دزدی میلیاردها از صندوق ذخیره فرهنگیان اعتراض کرده است. يك خواست مهم همه معلمان در این تجمعات آزادی فوری همکاران خود اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، محمود بهشتی و روح الله مردانی بود.

خواستهای معلمان خواستهای همه مردم است و اعتصاب آنها به شکل های مختلف با حمایت و همبستگی جامعه روبرو شد. از جمله فراخوان به اعتصاب معلمین از سوی گروههای تلگرامی مختلف چون "گروه نوزده اسفند" و "اتحاد بازنشستگان" مورد پشتیبانی قرار گرفت و هزاران شبکه اجتماعی در کنار معلمان قرار گرفتند و به صدای اعتراض آنان تبدیل شدند. در اعتصاب دو روزه معلمان حمایت خانواده های دانش آموزان چشمگیر بود و در بسیاری از مدارس خانواده ها با نفرستادن فرزندانشان به مدرسه معلمان اعتصابی را حمایت کردند. در برخی مدارس دانش آموزان در کنار معلمان خود ایستادند و با در دست گرفتن دست نوشته "تحصیل رایگان حق مسلم ماست"، با این اعتصابات اعلام حمایت کردند. شوراها صنفی دانشجویان کشور نیز طی بیانیه ای تحت عنوان "معلمان و دانشجویان در مسیری مشترک" حمایت خود را از اعتصاب دو روزه معلمان اعلام داشتند و ضمن برشمردن خواستهای مهم معلمان و تاکید بر آنها از جمله چنین آمده است "دانشجویان ... بدین وسیله اعلام می دارند که از حق اعتراض و تحصن صنفی معلمان دفاع کرده و مطالبات آنها را قانونی، ضروری و حق آن ها میدانند و در کنار آنها در اعتراض به پولی سازی و امنیتی سازی ساحت آموزش و تمام مصادیق آن، همچون گذشته خواهند ایستاد!".

"اتحادیه آزاد کارگران ایران" و کارگران "سندیکای نیشکر هفت تپه" نیز طی بیانیه ای از اعتصاب و خواستهای معلمان اعلام حمایت

کردند. در بخشی از بیانیه اتحادیه آزاد چنین آمده است: "گذر از این شرایط فقط در دستان ما کارگران و معلمان و اعتصابات و اعتراضات متحدانه و سراسری است. اتحادیه آزاد کارگران ایران با اعلام همبستگی با اعتصاب و تحصن سراسری معلمان و تاکید بر آزادی فوری محمد رضا رمضان زاده رئیس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان، محمد صادق شکری و دیگر معلمان درینند، حمایت خود را از تجمع فردا صبح بازنشستگان در مقابل سازمان برنامه و بودجه با فراخوان به شرکت بازنشستگان تامین اجتماعی در این تجمع اعلام و عموم کارگران بویژه کارگران صنایع کلیدی کشور را به تدارک اعتصابات و اعتراضات سراسری و حمایت های عملی از جنبش اعتراضی معلمان فرا میخواند". در بیانیه سندیکای نیشکر هفته نیز ضمن حمایت از خواست و مطالبات معلمان چنین آمده است "داشتن زندگی شایسته و مرفه، تحصیل رایگان، رایگان بودن خدمات درمانی و بهداشتی و خدمات تامین اجتماعی برای آحاد افراد جامعه از حقوق پایه ای مردم بوده و دولت وظیفه دارد بی قید و شرط این خواست ها و دیگر مطالبات معلمان را به مرحله اجرا در آورد". علاوه جمعی از کارکنان مخابرات و ارتباطات با اعتصاب معلمان اعلام همبستگی کرده اند. در دانشگاه تهران نیز جمعی از دانشجویان تجمع کردند و با در دست گرفتن پلاکاردهایی از خواستها و اعتراضات معلمان حمایت کردند. در اعتصاب دو روزه معلمان صحنه های شورانگیزی از همبستگی و اتحاد را شاهد بودیم. در مدارس تحصن با حضور تنها يك معلم در دفتر مدرسه آغاز شد و همین تحصن مورد توجه زیادی قرار گرفت و باعث شد که سریعا بقیه معلمان نیز به تحصن پیوستند.

رژیم اسلامی با توطئه های مختلفی تلاش کرد اعتصاب سراسری معلمان را سد کند اما موفق نشد. از جمله در اولین روز

پاسداران و خبرگزاریهای وابسته به آن و تهدید به بازداشت و دستگیری، معلمان دو روز اعتصاب سراسری خود را با موفقیت برپا داشتند. دستگیری محمدرضا رمضانزاده رئیس شورای هماهنگی در اولین روز اعتصاب و تحصن معلمان، رویکرد حکومت اسلامی در برابر اعتراضات معلمان و کل جامعه را به روشنی نمایان میسازد. پاسخ این سرکوبگری ها ادامه قدرتمند اعتصابات، تحکیم تشکلهایی که بدست خود معلمان شکل گرفته و ایجاد شوراها، سراسری اعتراضات در همه جاست. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از خواستها و مبارزات معلمان بر آزادی فوری و بدون قید و شرط محمد رضا رمضانزاده، اسماعیل عبدی، محمد بهشتی، روح الله مردانی، عباس واحدیان و محمود بهشتی تاکید دارد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران ۲۳ مهر ۱۳۹۷، ۲۴ اکتبر ۲۰۱۸

مذهب در ایران از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش باید کاملاً جدا شود.

آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد در ایران باید تضمین شود.



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی این شماره: سیامک امجدی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود